

(۱۰ رجب - ۸ آگست)

§ تلگرافی از تبریز به پتربورگ رسیده که (جوانان ترك) یعنی مشروطین عثمانی خود را به تبریز رسانیده سعی اند در مدفق ساختن اهالی در قائم نمودن يك حکومت شوروی آزاد اسلامی

§ بموجب تلگرافیکه از طهران به (دبلی تلگراف) لندن رسیده اقواء زیادی در اهالی طهران شایع است که اهالی تبریز خود را بر عقب عثمانی نامزد نموده اند

حبل المتین

بلی برای پادشاهی که دارای شرف غس و حب جاه باشد بالا تر زین شکست منصور بیست که از یکطرف برادر و خاندان او مانعی بدولت دیگر شده و پایتختی نفسی منفر از وی گردید که مستعد ترك شرف ملی و رعیتی آبا می شود و او خوش دل باشد بر آن که صد نفر وکلای مجلس شوری را براگنده و کشته و حبس نموده است ، و فهمد که گرفتاری چند نفر منحصرین سفارت انگلیس (اگر ممکن هم شود) بخوابان چنان معذرت می ارزند ، اینها هم ناشی از جوانی و بی تربیتی و مشاورین بد است ، بقین باید دانست که مشروطیت ایران جای رفته و نخواهد رفت ، و پیش از پیش قوت گرفته و خواهد گرفت ، نتیجه که ازین حرکات زشت مفتضحه حاصل شده و خواهد شد ، قتل جمعی بیگناه و لکه تاریک تاریخی شاه و قدرت جمیع طبقات ملت از سلطان بلکه از خاندان او فائده که ازین حرکات ظاهر شده و از همه و طیم ترمیباشد آن است که این پادشاه با این حرکات محل است دوباره براحت و عزت و محبت بر ایرانیان سلطنت نماید ، خواه سلطنت ایران مشروطه باشد یا بر فرض محال مستبدانه باشد

عجب خام خیالند رجال دربار شاه که تصور عود استبداد را در ایران می نمایند ، و چه قدر بی خبر از امور طبیعی میباشند که مائل اند ، دوباره بقوه قهریه بر ملت حکومت نمایند ، گویا هنوز نمیدانند که مزاج عالم تغییر یافته ، و ترقیات کونی به شهر محال است آنچه را که ما نوشته ایم دیری نگذرد که نشان میدهم احبب ازین این است که برخی شاه دوستان که در اخبارات اروپا توصیحات میدهند عرض کل اندود نمودن آفتاب میخواهند در واقعات مفتضحه طهران روسهارا تصوروار نمایند ، و بگویند شاه باین حرکات تا این درجه راضی نبود ، و حال آنکه تاریخ عالم اعمال هرکس را بنسب خود او ثبت نموده و خواهد نمود ، لذا آنان دست و پای مفت میزنند (باب زمین کوز

وقانون اساسی است سلب نماید ، و انفصال پارلمان را هم بحق حلوه دهد ، ولی کمان نداریم درین امر شاه کامیاب گردد چه هم ابرایشا واقف از خیالات شاه شده و هم دیپلماتها همه باین خیالات پی برده اند ، ازین رو میتوان گفت که رابطه حقیقی و اتحاد صادقانه بین شاه و ملت وی پیدا نخواهد شد ، و هر دو در کشمکش خواهند ماند ، و باز کار پیشرفت نخواهد نمود مگر اینکه من بعد وساطت سفرا در بین آمده فشار دیپلماتی کار را ریش به برد ، ولی این نکته را هم باید دانست که این کشمکشها بین ملت و دولت ایران چند روزی بیش دوام نخواهد کرد که سیم مشروطیت معلوم استبداد را ماحلا معلوم خواهد ساخت ، و این دوره را نمیتوان قیاس بقرون سالفه نمود که این گونه کشمکش ها در باقی ماند

تلگرافات روتر راجع بایران

(۶ رجب - ۴ آگست)

§ بموجب تلگرافیکه از تبریز به پتربورگ رسیده قشون دواتی از دبروز صبح بر شهر شایک مینمایند

§ منزل نوسل ترکی مدیم تبریز خواهنش نموده که جنگ خانگی را موقوف دارد ورنه دولت او مداخلت خواهد نمود و زحمت رسیدگان ترك را پناه خواهد داد

§ از تلگراف طهران ظاهر می شود که شاه بسفارت کبرای عثمانی منیم طهران اعتراض نموده که بدون جبهه جبراً جماعت ابوهی را در سفارتخانه خود پناه داده است

§ سفارت کبرای عثمانی خارج شدن پناهندگان را خواسته ، پناه گزیشان ابا و امتناع نموده اند

(۸ رجب - ۶ آگست)

§ جماعت بسیار ابوهی از ایرانیان در سفارت کبرای ایران در اسلامبول رفته مستدعیات خود را ازین قرار تقدیم نموده اند ، فوراً مجلس شورا را منعقد نمایند ، و بقوانین مشروطیت قائم مانند ، ورنه ترك تبعیت ایرانرا گفته رعیتی عثمانی را قبول خواهند نمود

§ شاه در تلگراف مستدعیات ملت بسفیر کبیر جواب داده که مجلس ملی بوقت مقرر خود منعقد خواهد شد

§ از طهران برای حفظ امنیت تبریز کمیسیون خاصی فرستاده شده است

(۹ رجب - ۷ آگست)

§ بموجب تلگراف (روتر) پناهندگان سفارت کبرای

قصای تبریز تفریق یا قتل عام

وقایع ننگار (استندرد) از طهران بداره موسوفه ۲۴ جون تلگرافاً چنین اطلاع میدهد که تمام روز ۲۳ جنگ حتی در کوجه های تنگ طهران جاری بوده مشروطین هم از مسلح و غیر مسلح و مردمان بی طرف که ابداً حربی مدافعه نداشتند گرفتار بجهت ظالمانه قزاق شدند، زن و مرد و بچه بیگناه و گناه کار بدون ملاحظه نشانه تنگ می شدند، سپاهیان وحشی شاه ظاهر می نمودند ملتها درجه بی رحمی خدارانه را، هر کس در بجهت شان افتاد یا اعضایش مانع شد یا مقتل رسید، خون در تمام کوجه های طهران جاری بود، ۱۸ فر رؤسای مشروطین اصلاح خواه را که گرفتار نموده بودند غل بگردن انداخته کشان کشان به اردوی شاه برده حضوراً مانند گوسفند سر بریدند مشروطین چون حربی را بی مدافعه داشتند و بنام گامی میسرشان نبود نتوانستند در جلو قشون شاه ایستادگی نمایند، در یک حله ۳۰۰ نفر آنها قتل رسیدند، از قشون شاه نیز عده قلیلی کشته شده

خبریکه از تبریز رسیده ظاهر میدارد که جنگ بسیار سخت شروع گردیده و میدان خیلی گرم و قوت تمام بریاست، این جنگ محدود است در میان بازارها و محلات شهر و هیچ طوفی بر اهالی خارجه طاری نیست

به سفارت خانه ایران در لندن چنین خبر رسیده که شاه سریعاً مستعد است در مقابله و سرکوبی تبریزیان و اهالی آذربایجان و امید است که بزودی محکم انتظام و آرام شود

از اخباریکه بداره خارجه لندن رسیده جناب معلوم میگردد که تازه تلگرافی از ایران رسیده لذا کمان میرود که انقلاب در تبریز جهان حال باقی و زیاد نشده است، و نیز ظاهر داشته که از تلگرافات رسمی انگلیس ظاهر می شود که اهالی تبریز را هیچگونه عداوت و خصومت و نفرتی بارطی اجلیه و مخالفین مذهب نیست دلی نیوز کلکته می نویسد - که دست بخت قزاقان کرنل لیاکوف روسی در میدان نژادی طهران که جنگ

مینمود بر خودی و بیگانه ظاهر گردید، از حرکات جنگی سپاهیان شاه در تبریز با اینکه چند قدم پیش رفته و نتوانستند حفظ امنیت شهر تبریز را به نمایند. شاهنامه قوت و اقتدار شاه تا آخرش قرائت شد این است که سواران رحیم خان خود را باخته بدون مقابله از روی واقع فرار کردند، و این نکته خیلی باعث قوت قاب و اطمینان مشروطین شده، برای تدارک تدافعات و آخرین علاج شاه این خواهد بود که در سرکوی اهالی تبریز (کرنل لیاکوف) را روانه دارد آنوقت واقفین سیاست گوش بزنند تلگراف خواهند بود، که خبر دهد از فراری شدن جنرال لیاکوف در مقابله تبریزیان

وقایع ننگار اخبار (سینت جیمس گزت) از عده چنین می نویسد، که بموجب تلگراف تازه هائیس در جنگ روز شنبه تبریز ۲۷۰ نفر کشته و ۷۰۰ نفر مجروح شده اند و ایران مخالفت جنان بالا گرفته که تمام اهالی ایران را مشتمل ساخته است

تلگراف دلی از تبریز رسیده، پس از آیه اهالی (خیابان) نشان سفید که علامت صلح و تسام است بلند کردند جماعتی از سواران رحیم خان بازار را که قرب صد دکان داشت غارت نمودند

مشروطین چون این حال را ملاحظه نمود شیور زده مردم را جمع کرده نشان سفید را باین آورده علم سرخ که علامت جنگ است برافراختند، و حدود جنگی مقرر کردند، در آن روز قتل و جرحی واقع نگردید

علی الصباح سواران دولتی بموجب فرمان تاره شاه در بازارها گردش نموده و مردم را برای باز نمودن دکا کین امر و خبر میگردند ابداً کسی اطاعت آنها را نمود چه خوف قارت نیز بر آنها مستولی بود

رطابای روس علم دولتی خود را بلند و سائر دول نیز علم هائیس خود را محض اینکه شناخته شوند بلند نمودند، بسبب گیر نیامدن نان اغتشاشی و پریشانی هر روز زیاد می شود

تلگرافهای غیر رسمی نیز از تبریز رسیده تصدیق میکند که علمهای هر دولت برای حفاظت بلند ویافت پندین نان مع بازار و مسدود بودن دکا کین محق است

ترجمه از روزنامه آکسیون

مورخه ۲۶ ژون منطیبه پاریس

پاتیک خارجه

استعمال روز دولتی در طهران

از دیروز باین طرف خبر وقوعات وحشت انگیز
سهران با میسرند و معلوم میشود که قزاقهاییکه قراول
مخصوص شاه هستند اطراف مجلس شورای ملی را
محاصره کرده و به تیر توپ و تفنگ سرها نفوس را
متول و محروح کرده اند، هنوز هم دایم که آخر
بن روز (کردتا) بطور خواهد شد ولی از حالا
می توانم، مسئولیت یعنی ما را در این واقعه توضیح
کرده و تزییح غیر مرئیه آن را پیش بینی نکندیم بقین
ی جنبه و بر حسب اتفاق نبود که در این موقع احمام
بن عمل را به عهده قزاقهاییکه يك وقت (دمان تروج)
سرهنگ روس مرتب کرده و حالا در دست مشاقتها
روس است محول کرده اند، و ما از این جنبه و بر حسب
اتفاق نیست که امیر پسادر که مجلس ایران تبعید او را
خواسته بود قبل از وقوع این حادثه جندی به سانه
ست در سفارت روس رفته مانده است و باز هم بر
حسب اتفاق و بی عات نبوده که يك نفر مفسد از اهل
(کریمه) که در دربار ایران مصل است این او آخر متصل
همابین قسر سلطنتی طهران و سفارت روس در آنجا
آمد و شد می کرده است

محقق است که فر روس در این حوادث اخیر
ایران بی اثر نبوده نمی خواهیم بگوئیم که مقصود ما از
این نفوذ نفوذ دولت مشروطه روس در تحت ریاست
مسبو (ستولین) است بلکه مقصود نفوذ دیپلومات
های مستبد و ثروت طلبان بی وجدان روس می باشد
حالا می خواهیم بدانیم که آیا پهلوی دولت روس
دوات فرانسه بوظیفه خود که لایق عادات تاریخی خود
مانند عمل کرده است یا نه در این باب ما شک داریم
و آنچه بنظر ما می رسد این است که ما مور ما در این
موقع در طهران شخص بی استمدادی است که وزیر
امور خارجه ما او را احضار کرده و باین جنبه عقب
روس و انگلیس مملکت ما مقام ناقابل داشته است و
ما از این جنبه خیلی متأسفیم و از طرف دیگر می
بینیم که دوات آلمان در طهران وزیر مختار خیلی قابل
دارد و متصل برسد نفوذ ما در پای تخت ایران کار می کند

حالا به بیایم آخر این کارها به کجا منجر خواهد
شد آیا شاه را خلیل است که مشروطه و مجلس را در
ایران بکلی منهدم سازد؟ برخلاف این خلیل درماه
دسامبر گذشته و همین او آخر پادشاه ایران مکرر قسم
خورده و اطمینان مجدد بموجب دستخط های عهده
داده است گذشته از این بهم زدن مشروطیت چیزی
است خلیل خطرناک باشکال مختلفه (شارل) اول در
انگلستان (ولوی شانزدهم) در فرانسه و (کارلوس) اول
در پرتغال باین خلیل افتادند و نمره بد بردند شاید
بعضی ما جواب خواهند داد دولت روس مداخله
خواهد نمود جواب می دهیم اشکالاتی را که دولت
روس در این صورت در جلو خواهد داشت باید محجم
کرده و مکرر در این باب فکر نمود باید متنبه شد و
گفت که از فرستادن چند دسته سرباز به تبریز و از
سوزاندن چند قریه بدیخت مقصود از پیش نخواهد
رفت چرا که در کوچکترین دهات ایران هم در مملکت
مسافرت و حمل نقل چیز آسان نیست اهالی دشمن
سبک قدیم و استبداد سابق هستند گذشته از این
مسلمانان قفقاز روسیه هم مذهب ایرانی ها میباشند و
می توانند شریک درد آنها شد و خودشانرا بلا گردان
اینان بکنند پس چه افواج ما لازم است که به چنین
مناومت ها قدرت غالبه داشته باشد؟ آیا دولت روس
که متوجه (بالکان است) و دولت انگلیس که نگران (هند)
(روافانسان) کار بهتر از این ندارند که با اینوضع بطرف
ایران شتایند

اما تکلیف ما فرانسه ما در این موقع مقرر و
واضح است اگر چه در این مسئله ما را منافعت بولتیکی
نیست اما باید دانست که در هیچ مملکت و در هیچ
دولتی که به حقوق آزادی صدمه وارد می آید هیچ
کس ما را در غفلت نخواهد دید وظیفه و تکلیف ما
است که صرف و پروتست آنهاد زرکی که ما بین تمام
ممال روی زمین بر ضد ظلم و استبداد و خشونت مقرر
است از زمان ما جاری شود چرا که اگر بگذاریم
یدی باهالی ایران حق اهل (ماسدودان) و (پولوی) و
حزیره (سوس) هم بکنند این بای روزی شامل
احوال مالی خواهد شد که سعی درسد راه آر نکردیم
پس ما راست که خدمت حق را بجا آریم و بدینا مبنایانیم
که در هر جا نیک و بد حق و حفظ حقوق نیک و
بد و وظایف فرانسه است

تکرانی است که از طرف اعلیحضرت

«شاه بتمام حکام ممالک ایران شده»

(از طهران بتمام ولایات)

جناب وزیر اعظم ، بنویسید مخیرالدوله عین ابن دستخط را بولایات تکرار کرده ، تکرار انچه بان قدس نماید مدلول و طبع رسانیده بجهت عموم عامه اهالی منتشر نمایند که همگی مطاع باشند هر جا هم تکرار نیست با پست و بتوسط سوار مخصوص برستید

دستخط جهان مطاع اعلیحضرت اقدس هابون ارواحنا فداء ، جناب وزیر اعظم از بدو جلوس بر اریک سلطنت همواره پشهاد داشتیم که ترویج شریعت خدای احمدی را که مایه اقتضار ملت نجیب ایران و سعادت فرزندان روحانی ماست بوسیله ایجاد ادارات و شعب عدلیه تکمیل و اجرای حصول و مواد موصوعه شرع مقدس را که مایه آسایش و رفاه عموم ملت است بترتیب اساس مرتب داریم که عامه رعایا را که ودایع الهی هستند در ظل این قانون مقدس قرین آسایش و رفاهیت داشته در ضمن حصول این مقصود شروع بترقیات مملکتی بشود و آنچه لازمه سعادت بود در این دو سال با هیئت مقتنه عودیم صککه شاید این پست حسنه و عقیده مستحسنه را صورتی داده و در این سعادت و اقتضار ملت مبذول دارد پس از هزار دقت و حاصل نشدن مقصود ناچار شدیم برای حفظ قوانین شرعیه از تطاول و اغراض مفسدین اقدامی در مقام و مؤسس قتنه و آشوب را گوشمالی بسرا دهیم اینست که بعمون الله تعالی این مقاصد بمحصول پیوسته و فی الجمله فرائضی دست داده دیگر تعطیل وقت را جایز ندانسته بروز عقاید حسنه خودمان را که مبنی بر سه اصل است احطار و انجام آن اصول مقدسه را بهیئت وزرا پش نهاد میکنیم اولین وظیفه اسلامی که مستودع قلب و دخیرة خاطر است و خودمان را در پیشگاه احدیت بادی آن مکلف میدانیم حفظ بیضه اسلام و نوامیس شرعیه است و دومین منظور خسروای تعظیم و تجلیل علمای روحانی است که حافظ و حامل و عالم و حامل بقوانین شرعیند سومین مقصود هابونی امنیت و آسایش عموم افراد ملت ایرانست که قصد و نتیجه حاصل شود مگر با اجرای آن دو اصل مقدس و جیزی که میتواند این مکنون ضمیر منیر ما را بطور حقیقت منکشف ساخت و شاهد مقصود را چهره کشاید ایجاد دوازده عدلیه و

تشکیل شعبات آن در محلات دارالخلافه خصوصاً در کلبه اعمار و بلدان ایران عموماً میباشد که در طبق موازین شرعیه و اصول مقدسه قانون محمدی صلی الله علیه و آله عموم ملت از تطویل یکدیگر مصون و محفوظ مانده احکام صادره از محاکم شرعیه مطابق عدلیه موقوع اجرا گذاشته آید و روحه حقیقت دعوی مرتفع و ذات مقدس شاهانه را ازین ره گذر فراغتی حاصل و فرصتی بدست آید بطوریکه مکنون خاطر هابونی ما است مطابق عهدیکه در پیشگاه الهی کرده ایم موفق بر ترقی و سعادت این مملکت شویم و به نشر معارف معلوم و ایجاد کارخانجات و سایر ترقی وطن عزیز خود مان اقدام فرموده روزگار سعادت و اقبال را که منتهای آرزو و اقبال ما است بفرزندان روحانی خودمان تکمیل فرمائیم و بخواست خداوند آنچه از ترقی و سعادت را این مملکت قاصر است موجود شود

و علمذا آن جناب و سایر وزراء در اجرای این هیئت مقدسه شاهانه دقیقه فون وقت جایز ندانسته با سرعت هر چه تمامتر شب و روز را اوقات صرف نموده اساس عدلیه را بروفق قوانین شرعیه مشید و مستحکم سازید و تا شعبات عدلیه در ولایات منعقد نشده باید ولایات و حکام و کارگذاران دیوانی در رسیدگی برایش و اعانه مظلومین و اعانه ماموفین مطابق شرع او را غفلت نکرده از بذل مساعی جمیله کوناهای نمایند و بقسمی اوضاع حکومتی خود را مرتب نمایند صککه طاحز ترین رعایا بتوانند بی محاسنت صاحب و دربان نظم خود را بحکام اظهار داشته بواسطه احقاق حق مأمورین دولتی باره القواد بمحل خود مراجعت نمایند و همه اعلان نمایند اگر از طرف حکام در رسیدگی برایش بی مسالاتی و تصویری شده فوری بوسیله مقتضیه بدربار دولت اظهار دارند که بدون ملاحظه غور رسی و احقاق حق بعمل آید و باموریکه در مقام حق گذاری غرض عین و بی اعتدالی کرده محاسنات شدید داده شود و یک مطلب عمده دیگری که موجب رضای خداوندی و مزید اسباب دعاگوئی فقرا و ضعفا و اقدام بان راه از اهم فرائض و الزم تکالیف میدانیم مسئله ارباب حقوق و منتمریات است که بواسطه بی تربیتی امورات و بیعت تغییرات متوالی و ذرای مالیه و عدم تعیین تکالیف حکام طوری مختل شده که غالب مردم بریشان محلی غیر از حقوق دیوانی ندارند

و بگلی مستاصل و بنان شب و قوت بومیه عیال و اطفال خود معطل شده اند و استماع این حالت برای ما بدرجه ناگور و باندازه دشوار است که فوق آن تصور نیست و از آن جناب مخصوصاً میخواهیم که یک هیئت معین نماید باین کارها رسیدگی کرده ترتیب وصول و ایصال ذوی الحقوق را داده معین بکنید که بجه علت عقب افتاده چراغ رسیده است و ناکید نماید و اجبار بدهید ماحلا فرار وصول آن را چه در دارالخلافه و چه در ساربلاد داده نتیجه حسنه را برض حضور هابونی رسانند، که از هرجه رعایای مملکت ابراف قرین آسایش و از هیچ رهگذر دچار تنگی و یا سختی نباشند، از درگاه حضرت احدیت جل شانہ متمنی و خواستگاریم ما را در نیل مقصود مقدسه تسبیحات غیبی لاری موفق و مؤید فرماید بجه وجوده (ششم جمادی الثانیه سنه ۱۳۲۶)

(محمد علی شاه قاجار)

جواب تلگراف فوق

از اصفهان به طهران

(۱ ج ۲ - ۱۳۳۶)

پادشاهان، تلگراف سراسر خدعه و مکر رسیده، آیا هنوز هم چنان تصور می شود که بتوان بر حرکات غدارانه و طلسمای کافرانه برده بوشی بود؟ آیا باز هم کن می رود که خون خوارپسای و حشویه و حرکات سبانه که نسبت باجساد طیب و ظاهر شهداء اسلام شده معنی داشت؟ آیا میتواند شد که این ملت در هر سه دو سال ما اینکه صدها نض عهد یافته، و تخلفات از تخلفات قرآنی دیده و صدها قدر و مکر و حيله مشاهده کرده باین معذن کاذبه و بیانات لاطائل قناع نموده آن ماحی اسلام را حامی شریعت مطهره خود نشانند، عجب احترام و توقیری از حجج اسلامیه و علمای اعلام و ذراری رسول الله شده سر و دست آنها را شکسته و بنشانیانرا کنده کتابشانرا بسته حلوا سب قزاقشان انداخته با باغ شاه که بارگاه بزرگی بود برده شدند؟ عجباً حفظ شریعت بسوزاندن قرآن است یا بخراب کردن خانه خدا و پیش سگ اداخلفن اجساد مقدسه شهادت؟ آیا معنی بدری این است که چندین هزار نفر فرزندان بی گناه از زن و مرد کوچک و بزرگرا در هر سه چند ساعت از گلوله توب و تشنگ ماند برگ درخت بزین برزند؟ و هزارها خانه را قارت نمایند؟ آیا معنی تعمیر بلاد و آبادی مملکت این است که صدها عمارات عالیه که ملیونها خرجشان شده بود در چند

روز با خاک یکسان سازند، آیا راه نقد بودای آلمیه آن است که صدها متمولین مملکت را زیر شکنجه قزاق انداخته هشتاد سال را از دستشان بگیرند؟ آیا عدالت این است که هر چه مستبدین بکنند مجری شود؟ آیا معارف معلوم آن است که هزاره در عدالت دولتی بوده و هست؟ اف بر این عدالت حاوی و تف بر این معارف پروری چه فرزند کش بدری بودی که در هر سه يك و نیم سال سلطنت خود بالغ بر سی هزار فرزندان مظلوم خود را کشتی، بلکه کسب کرده و خوردی، چه حامی شریعت هستی که بنیان شرع را درین يك و نیم سال از بیخ و بن برکندی و فرمائیمای مسلمانان را روس ساطق و خود تابعیت کفر قبول کرده در بدیر آن که جهل کرور مسلمانانرا دست بسته تسلیم روس جان؟ چه مؤسس عدالتی هستی که شالوده عدل و داد که مجلس مقدس شورای ملی بود و بحکم شرع و نواب امام اطاعت او امرش بر هر کس فرض بود از ریشه برکندی؟ و حالاً هم اراکین آن مجلس قدس را مهم میسازی که تا امنی بلاد و نسیدن وظایف موظفین و عدم تشکیل عدالتخانه ها را سبب آنها بودند، آیا ما میدانیم افنشاش بلاد از کی بوده؟ آیا مابع عدلیه و احراء قوانین اساسیه و سیاسیه را تا کنون ملت نشناخته؟ آیا قدر و مقدار این گونه اقرارات و ملفوظات این خادان را عموماً از هشتاد سال باین طرف خصوصاً درین يك و نیم سال مردم نشناخته اند؟ و معنی این سالوس را نمیفهمند؟ آیا اهالی این سخنان بی معرفت دست از حقوق مشروع خود میسویند؟ آیا خداوند از اتمام این ظلمهای فاحش و این همه خونهای بناحق ریخته شده خواهد گذشت؟ حاشا ثم حاشا (چون که از حد نگذرد رسوا کند)

پادشاه زمامه سالوس گذشته، و موقع ریاست و فریب و دقا رفته است این سخنان تمام از مرکز تلیس یعنی شیخ نوری ابلیس شرح قاضی این عصر تراوش نموده است و معین باید دانست که این ملت دیگر فریب نمیخورد و چشم از حقوق خویش نمی پوشد، ما هر دانه باید استاد و بنایه تا جای که ممکن است آنچه میتوانید بکنید چنانچه در طهران گردید، و یا راهی غیر ازین اختیار نمائید، و از روی قطع بدانید که ملت باین سخنان فریب نمیخورد، و مترصد وقت است، و سلطنت را فعلاً غصب شده می بندارد، و هر آن مترصد که حقوق حق پسندانه خویش را حاصل کرده دمار از روزگار قاصبین بدو آورد از آنکه مع الصابرن (هموم اهل اصفهان)

اخبارات خارجه

§ سلطان عبدالعزیز از (رباط) با (۶۰۰۰) قشون بسمت قبض رهسپار شد

§ خبری از (انوار) رسیده که (مسترلیمبوکس) در مجلس شورای ملی مسوده قانونی پیش کرده که بموجب آن آوردن و فروختن تریاک را ممنوع میدارد

§ خبری دیگر از (انوار) رسیده که (لودر) رئیس قشون دو طلب در مجلس شورای ملی اظهار داشته که قشون دو طلب این وقت آماده و تعام یافته شده اند و (۱۰۰۰۰۰) جوان قابل مقاومت در میدان جنگ آماده اند

§ در مجلس شورای ملی انگلیس (مستراسکویت) اظهار داشت که مجلس شورای ملی از اول آگست الی ۱۲ اکتوبر تعطیل خواهد شد، قبل از تعطیل مسوده های قوانین متفرقه امضا خواهد یافت

§ امپراطور آلمان در (اسکاندینویه) مشغول سیر و تفریح بوده . بدتاً در (الیک بایت) که اردوی محکوم (لارد چارلس بسفرد) مشغول مشق بودند وارد و ملاحظه جہازات جنگی انگلیسی را نمودند . همینکه لارد موصوف امپراطور آلمانرا دید فوراً ترتیب سلام فوج را داده توپ سلام شلیک نمود . پس از آن امپراطور از انظار غایب گردید

§ شخص مترجمی در (سینت پیگو دس) به جرم طواریدن زهر بقشون گرفتار شده است

§ در (گاتن برگ) اغتشاش زیادی ظاهر شده در (مالو) بر سطحه يك جہازی که مزدوران انگلیسی جای داشتند نارنجکی افتاده و شکافته، یکنفر را مقتول و هفت نفر را مجروح نموده است (کنگ کتیو) مجروحین را در شفاخانه برای علاج برده است

§ اهالی یاریس ازین خبر زیاده متوحش اند که دولت آلمان به دولت چین آگهی داده که بعد از این دولت آلمان نگرانی حقوق رعایای عثمانی را در چین که برده دولت فرانسه از سنه ۱۸۰۰ بوده خواهد اختیار نمود، دولت فرانسه را خبری رسماً درین باب نیست

§ در (پلازموت) افواه است که (سربرس اسکات) ماه مارچ سنه ۱۹۰۹ بمسوده سپهسالاری هند شرق مقرر خواهد شد

§ تلگرافی از (انوار) رسیده که مسوده قانون منع

ورود و فروش تریاک در شورای ملی امضا یافت

§ خبری از (قبض) بای تخت مراکو در روزنامه (مارشنگ پست) اشاعت یافته که از حرکت سلطان عبدالعزیز با قشون بسمت (قبض) اهالی پریشانند چه روانکی عبدالعزیز مدلل میدارد که دولت فرانسه دست بردار نشده

§ مظنون است که (مولی حفیظ) در (تاجیر) بود باین اراده که امضای استحقاق سلطنت خود را در (مراککو) از نمایندگان دول بستاند . فعلاً در رکاب مولی حفیظ (۵۰۰۰۰) قشون است

§ شاهزاده ولیمهد دولت انگلیس برای افتتاح مراسم جشن صد ساله بسمت (کوئینک) رهسپار گردید

§ (لارد کرزن) در جریده (طمس) اشاعت داده که بیادگار (کلابو) زر اقامه (۵۰۰۰) لیرا جمع شده منجمه آف (۳۰۰۰) لیرا مجسمه بزرگی بصورت (کلابو) از رنج ریخته خواهد شد مابقی (۲۵۰۰) لیرا برای تعمیر عمارت یادگار (وکتوریا) در کلکتہ داده خواهد شد

§ بسبب انتظام داخله اوقات کارخانجات پنبه را در انگلستان ، امریکا ، آلمان ، بلجیم ، پرتگال و ژاپون کم کرده اند و امید است که در بر اعظم اروپا و سایر ممالک هم بدین مسلک کار روانی شود

§ تلگرافی از (نویو) رسیده که (بارن کاتسورا) کاپنه وزرا را مرتب کرده (کاوت کامورا) که این اوقات سفارت ژاپون در لندن منیم است وزیر خارجه شده . و از لندن بعزم ژاپون رهسپار گردید

§ در شش ماه اولیه سال ۱۹۰۸ ورود مارالتهجده در انگلستان پنج ملیون و نیم آف (۷) ملیون کمی واقع شده است

§ در (ندر سمید) شخصی بمرض طاعون گذشته است

§ قرارداد اجرای تلگراف بی سیم بین الدول ترمیم و امضا یافته دولت متحده امریکا تا کنون قبول نه نموده است

§ امپراطور چین به مرض پیش سخی مبتلا شده ، ماکه به حکام نواحی اعلام داده که اطبای حاضر هر سه

را فرستند

§ سیلان که تازه نظیر سیلاب سنة ۱۹۰۶ بنظری آید که نتیجه آن قحط در ممالک متوسطه چین گردیده بود رودخانه (یانگتسی) قرب هفت زرع بلند شده است
 § مدیران جراید انگلستانرا اراده ایست که مجلس شورای در سنه ۱۹۰۹ در لندن منعقد نمایند، مدیران معتبره هند و مستعمرات را دعوت خواهند نمود، هموم را عنیده اینست که این شوری بسیار مفید خواهد بود
 § (پریسیدنت فلاریس) رئیس جمهوری فرانس و (مسیو پیشون) از پاریس بحساب (اسکاندینووه) رهسپار شده که از آنجا بحساب (ریوال) برای ملاقات امپراطور روس بروند

§ تلگرافی از (پترسبرگ) رسیده که در کیسیون مالبه (دوما) بودجه سنة ۱۹۰۸ منظور شد، این اولین بودجه ایست که اداره مقننه منظور کرده است
 § (مولی حفیظ) حین ملاقات با وقایع نگار (مارننگ پست) اظهار داشته که او را بیوجوه با اهالی اروپا عنادی نیست بلکه خواهش وی اینست که اهالی اروپا در ترقی مراکو با او همراهی کنند، و معاهده (الجیریا) را هم قبول خواهد نمود

§ (پریسیدنت فلاریس) از (دنکرک) رهسپار شده در حین روانگی اظهار داشت که علت اصلی مسافرتش ایست که اتحاد بین الدول را مستحکم تر نماید و مصالحت و امنیت در دنیا قائم دارد

§ تدارک دیده می شود که (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان با امپراطور (آستریا) در (ایشیل) ۱۲ ماه آگست ملاقات نمایند

§ بجرم مسموم نمودن قشون در (سیکون) جوی از سپاهیان بومی و افسران آنها را بحبس ۵ سال الی ۲۰ سال محکوم داشتند

§ حکومت (سوئزند) حسب الخواش بسیار دول (مسیو میلیت) را در مسئله رؤی (کرتیان) دفتش قرار داده است

§ تنگ انگلستان در ماه آگست آینده سند استراضی يك ملیون لبرا برای حکومت ترنسوال خواهد فروخت

§ تلگرافی از (جوهانسبرگ) رسیده که یکی از

زرشتیان که از باشندگان آنجا بوده ولی تذکره دوائی نداشته - حکم به اخراج داده اند مطابق قانون (ترانسوال) چون اطاعت حکم نکرده بود از این رو حقه عدول حکمی محکوم به سزای حبس با مشقت مدت يك ماه شده است

§ (پریسیدنت فلاریس) برجهاز (وریت) وارد (کوبن هیجن) شد، پادشاه، و شاهزادگان و اعیان دربار او را استقبال کرده در همارت سلطنتی آوردند
 § در (امالینبرگ) (پریسیدنت فلاریس) را مهمانی شایانی نمودند، و در مجالس مهمانی پادشاه و پریسیدنت مذکور نطق های دوستانه کرده تذکره از رشته اتحادی که بین دولتین انگلیس و فرانسه ماضیضبط است نیز بیان آمده

§ (مارن کومورا) ۲۷ جولائی بسمت ژاپون رهسپار شد از طریق (سایریا) طی مسافت خواهد نمود
 § امیرالبحر روس (روزی ونسکی) بسبب امراض سینه که از جراحات جنگ (شوشیمه) باو رسیده بود وداع زنده گی نمود

§ در (هاوس آف لاردس) مجلس شورای اعیان مسوده قانون و نظیفه پیران بار دوم قرائت و باامضا ۲۳ رأی برخلاف ۱۶ قبول گردید

§ تلگرافی از (جوهانسبرگ) رسیده که ۵ نفر از هندیان دست فروش را بجرم اجازه نداشتن هر يك به جریمه محکوم شدند که در صورت ندادن هر يك ۴ روز قید شوند آنها دادن جریمه را قبول نمی کنند

§ (کونت کومورا) اجازه ملاقات پادشاه انگلستانرا حین حرکت یافت (سرادورد گری) وقت ملاقات حاضر بود (کلونت) مذکور اولاً سطحی را که از دولت متبوعه خود براسی مراجعت یافته نزد پادشاه پیش کرد، و بعد با ملکه انگلستان هم ملاقات نموده اذن مرخصی حاصل نمود

§ خبر فوت (امیرالبحر روزی وینسکی) غاط بود، کسی دیگر بهین نام در شفاخانه (بادنوهیم) مریض است
 § (مستر کلارک کنیدی) که در اسارت اهراب بود رهائی یافت

§ تلگرافی از (کمبرلی) رسیده که اداره کبلی (دی پیرس) معین (دی پیرس) را اراده دارد

مسدود نماید از این رو (۲۰۰) نفر از انگلیسان و (۱۲۰۰) نفر بومیان بیکار خواهند شد
 § بموجب خبری که از (جو هانسبرگ) رسیده بحرم مباحثه اشیا در شوارع بدون اجازه حکومت ۱۰ نفر از هنریمان به سزای قید محکوم شدند ملجمه مجرمین رئیس انجمن اسلامی و برخی از سرداران نیز هستند چه آنها تشویق نموده بودند که در شوارع اجناس تجارنی بفروشند .

§ بودجه حکومت دیشب در مجلس شورای ملی انگلیس پیش شد

§ تلگرافیکه از (کوئیک) رسیده ظاهر بیدار دارد که شاهزاده ولیمهد انگلستان در وادی (ابراهیم) ملاحظه مشق (۱۳۰۰۰) قشون را نموده ، (لاردرابرت) سر کرده این قشون بوده و درین اردو از فرانسوی امریکائی ، و انگلیسی شامل بوده ، بعد از ملاحظه سان شاهزاده ولیمهد قبالت میدان جنگ را بدست (ارل گری) داده ، خریداری این میدان از اطاعت سلطنتی شده است

§ (پریسیدنٹ فلاریس) وارد (استوکهم) شده بر قبر (کنگ اوسکر) جادر گل کشیده ، و دیشب در قصر سلطنتی برای تهلیت ورود ایشان مجلس با شکوهی منعقد شده بود

§ سفیر انگلیس در چین به مجلس جشن مولود نازده امپراطور دعوت شده، (مستر گلادستون) و (لاردر فینز ماریس) و (سر رابرت هارت) و بسیاری از سفراء دیگر هم شرکت داشته اند اعلیحضرت (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان هم تلگرافاً تبریک قدوم مولود را فرموده اند

§ در مجلس شورای ملی مسوده قانون دارالعلوم (آبرلند) با رسوم قرائت و (۳۰۷) رأی برخلاف (۱۹) امضا یافت و نیز مسوده قانون خزانه منظور شد

§ (سر ادورد گری) در مجلس شورای ملی در جواب سوالی اظهار داشت که با دولت (سیام) تا کنون عهد نامه جدید اختتام نیافته و تا وقتیکه نماینده دولت که رایحه بحث بر عهد نامه مذکور رفته وارد نشود و بر فصول آن عهد نامه با وی مباحثه نکند

هیچ نمیتوان رأی داد

§ شاهزاده ولیمهد انگلستان در (کوئیک) سان قشون بحری را ملاحظه نمود ، وقت مترب و کلاه مستعمرات را دعوت نمود

§ (کونت کورا) بسمت ژاپون رهسپار شد ، در استاسیون افسران اداره خارجه انگلیس و جماعتی دیگر به مشایعت حاضر بودند

§ در مقام (دبره) آفتشاش سفتی شده ، لذا حربه به عیسویان تقسیم شده است

§ اعلیحضرت (اموردهفتم) پادشاه انگلستان در (کرونبرگ) ۱۱ آگست با امپراطور آلمان ملاقات خواهند نمود

§ شاهزاده ولیمهد انگلستان وارد (کوئیک) شد اهالی پذیرائی و استقبال شایانی نمودند (مستر و لفرید لوری) از طرف حکومت تهلیت نامه ورود تقدیم نمود ولیمهد بزبان انگلیسی و فرانسوی جواب تشکر اظهار داشت

§ در مجلس تجربه افسران (نیوپورت) (مستر روز بولت) رئیس جمهوری دولت متحده امریکا اظهار داشت که اگر لزوم قشون جدید بحری شود باید قشونی باشد که هیچ دواتی دارای آن نباشد ورنه هیچ لزومی ندارد ، اگر مقصود فوجی است که حفظ مملکت نماید لازم نیست بموجب قانون (منرو) دسته جہازات بسیار بکار آمد است فوج بحری چنان باید داشته باشیم که اهالی امریکا بگویند هیچیک از دول را یارای مقابله با آنها نیست

« کشتی حیات معاشی ما در چه قیزی است »

« آیا این زندگی متعفن را میتوان حیات نامید »

(نگارش مخبر سیار)

گویا هیچکس را شبهه وری در این حقیقت نباشد که بی نوع اسان پس از ولود ورود در عرصه وجود همینکه بوظایف انسانیت موظف و جزه مکلفین گردید در میدان کارزار معاشی و رزمگاه و کشمکش زندگانی داخل میشود و مسکروش هانت وطن او و لشکرش همان هیئت جامعه ملت وی خواهد بود ، و اولین وظیفه مهمه که بر ذمه او وارد میگردد همان اطاعت و معاضدت

حیث حقیقی و حزب واقعی خود میباشد و مقتضای آن قوانین ظاهره که مقتضیات حکمت الهیه برای انسان حمل و ایجاد کرده کلیه فوس بلا استند در اداء آن تکالیف اسانیت مجبور و ناچار است. و از این رو می بینیم که در میان آن ملل و امم که در سبب علم و عقل تکالیف خود را درک نموده و طریق غفلت و جهالت نسپردند اند هر کس بر حسب قوای خود مکاری اشتغال و حزنه نظام عالم گردیده زارع بزراعت می بردارد کاسب کار کاسبی خود را میسازد، تاجر در جریان تجارت و معاملات خویش می و دقت مینماید، و هكذا کلیه افراد طبقات ملت مشغول خود مشغول و در میدان کارزار معاشی بحدمات عظیمه مصوم و مسامی گریه میبذول میدارد و رفته رفته بحکم طبیعت این سببیت چنان در اعماق صابر آمان جایگیر گشته که برای سبقت در این میدان از بذل مال و جان مضایقه نموده و برای حفظ موطن خود که ما در اینجا بانظ مسکر تعبیر کرده ایم میبالت سنگتی که اصول زحمت متوالیه خودشان است بر سر حصول استمداد دفاعیه گذاشته اند و کلیه آن جنگهایکه فبابین طوایف مختلفه انسانی بوجود رسیده سطح زمین را گلگون و عرصه میدان را بر از خون میسازد و طفلان خورد سال را یتیم و زنان بیگناه را اسیر و سیوه مینماید از اثر حسابات تالی تصبی است که ملل دنیا بواسطه آز مسابقه معیشتی بحجه حفظ وطن خود پیدا کرده اند آهسته نقود و فلوس و وجود و نفوسی که دول روی زمین در ادوار مختلفه در مقتل حرب آورد، و مصروف کرده اند مصدر و منشائی از همین کشمکش زندگانی نداشته - خوب نتیجه این زحمت و نمره آن صدمات که افراد آن مال بر خود پسندیده و بدان واسطه از خوش گذران و اطالت و بخودی، عشرت دوری و مجبوری گزیده اند فقط تحصیل شرف، اقتدار و هرج به سلم اسانیت حقیقی بحیه آیت، آتی میباشد و در میانه این همه هول و هراس - آن قدر صدمه و آفت - آن اداره انج و حشرت - بکنا غنیمتی که نصیب به دوران آن کارزار و بهلوان آن گرودار میشود فقط همان نامی است که از مادی و دلاوری خود در صفحه زمین پیادگار گذاشته و برای خلاف خود سرمشق هنری میگذارند

اما مع التاسف وقتی پیش آمد اخیر وطن را محل توحه قرار داده صادرات افعال و واردات احوال اینها - آنرا بدقت هر چه تمامتر معرض نجس و تقصیر میسازیم می بینیم که اسلاف غیور در هر قرن برای تحصیل آن شرف و افتخار بحجه حفاظت و حصانت معسکر حقیقی خود و بالاخره حبه ره بودن گوی سبقت در میدان زد و خورد معاشی بی اندکترین هول و هراس و خفیف ترین رعب و ترسی جانهای گرامی خود را فدا و قربانی ساخته و سرهای خود را بهای آن منصوب عالی داده بالاخره موفق شدند که نژادی بلند و حسبی شریف و وطنی پاکیزه و نیکو یادگار باخلاف خود گذارند - معلوم است باقتضای آن قوانین مقتنه که در فوق ذکر کردیم بر ذمه ادبیت و اسانیت ما لازم و واجب حق میبود که این اخلاف آن امانت و ودبیه را با منتهای دیانت محافظت و حراست نموده و دقیقه از این فریضه نخطی و تجاوز نمیکردند بعلاوه چون خودمان نیز احتیاج اشتراک در آن زد و خورده معاشی داشتیم و از اتخاذ آن طریق لایذ میبودیم طبیعی بود که برای رفیع احتیاجات خود و وصول به مدارج عالی ترقی و تمدن هرگونه مقدرت و توانائی را که دارا بودیم بکار آورده و برای نگهداری شرف امانت خودمان همان صراط مستبیمی را که اسلاف مان سپرده بودند طی بکردیم - لزوم این عمل ما بیشتر تا کید مییافت در وقتی که میدیدیم سابر مال و دول مختلفه در این میدان سابقه طبیعی از هیچ فرصتی که بدستان آمده چشم نبوشیده، وقت عزیز را که سرعت برق میکشند ثبوت تمام گرفته اند و بواسطه حسن استعمال اوقات خود ترقیات عالیه مایل و قابز گردیده ازین پیشرفت های صحیحه که در تمدن موده اند در صدد توسعه اعمال خود افتاده اند

در ایجاب است که سائرا از تشریح صحیح واقعات لطیفات و انفعالی مبرون بخون واسف تام دست میدهد و ایجاب است که آدم بر دل میخواند که از اشعار حقیقت و اظهار صدق چشم نبوشیده يك كلفه راستی محسوسه را نگفته و نهفته نگذارد چرا زیرا که مسئله مربوط بحیثیات و امانت ما اخلاف آن اسلاف است ولی هر چه بادا باد امروزه دیگر مدافع و استار حقیقت فی حد

ذاه يك از معاصی كیره است و از این رو میبایست حقیقت را گفت و در پرده نهفت بی ما زادگان ایران بعد از آنکه محکم تقدیم و تاخیر طبیعی نوبت تصدی آن امانت با رسید و وقت جانبازی در حفظ آن ودیعت آمد بجای اینکه اقتضای شیوه نیک مردان گذشتگان بنام و در میدان زندگی اثبات وجودی نمایان برای خود کنیم پشیمانانك طریق سهل انگاری را در پیش گرفته از آن سر مشق عالی و اساس محکم که برای ما گذارده بودند هیچ رعایت نکرده و راه جهالت و بطالت را با نهایت سرگرمی پیش گرفتیم و نتیجه آن هم همین شد که يك مای - سخت رعایتی یا برجا برای خود تراشیدیم یعنی آن غفلت يك مرعوبیت مبشومی بار آورد که ما را به تحمل هر نوع استبداد و بیاد که در دایره امکان متصور میباشد مجبور نمود - آری همین مرعوبیت است که ما را قرنهای ارجمند شرافت و بزرگی دور ساخته و بیرق بزرگی و حشمت ما را که نتیجه زحمت چندین هزار ساله اسلافان بود برانداخت مأخذ و مصدر این بی پروائی که ما را چنین لیل و حقیر ساخته و درجه قومیت و ملیت ما را بنهایت تزلزل رسانیده چیست ؟ همین است که در اثناء آنها مدت نظر به لوازم خوشگذرانی و تنبلی یکنوع اقیاد عبیدانه در وجود مان خلق گردیده که برای آسودگی خود مان در زیر هر بار سنگینی که عامل استبداد بر دوشان مینهاد میبندیم و اهدا آن قوه و قدرت را در خود نمیدیدیم که مقابل آنهاه احتیاطات ، آن قدر مظالم ، آنهاه تجاوزاتی که میل و رغبت یکنفر امیر یکنفر - سردار یا يك که خدای ده اقتضا میکرد يك کلمه مفرد حقوق را بر زبان آوریم . اگر دهقان وزارت بود میبایست تیول ابدی و سیور حال سرمدی هلال قوی گردیده تا روح در بدن دارد جان بکند و هر چه از زحمات خود محصول برده در خدمت رباب استبداد شفیع تقصیر موهومی خود سازد اگر تاجر و بیله و ربود باستی براسی حفظ خود و ستگاش هر گونه احتیال و دسایسی که در حیطة قدرت خویش دارد بعمل یآورد و تجربه سلامت خود را پیشکشیهای فراوان بحضور حاکم وقت بگذرانند ، اگر قاسب و کارگر بود لازم میآید تا اندازه بتعدیبات

فرد فرد غلامان سواره نظام ، امشاء آمدار خانه ، شاگردان مطبخ تن در دهد که بالاخره بواسطه تحمل شداید معروف خدمت آمان شده و دیگر او را قابل به تحصیل مظالم و منافع نه پندارند و وجودش را از حیرت انتفاع طالع و ماطل شایند ، در آن مجبوحه بیخبری که در اسقاع این مملکت استیلای نامه داشت و فرمانروائی میکرد در سایر ممالک علم حقوق اسانی با يك طلطنه جلال و شوکت و دبدبه قبل و عظمت بنای خود مان و نور افشانی کرده تکیه اصول فلسفه زندگان گشته و دیگر محل و موقعی براسی امانت حراقت و موهوماتی که در مغزهای ما حاکم کرد نگذاشته است

هر حجه دیگر هیچ اقامه دایلی لازم نیاید که نگوییم ما باز ماندگان آن گذشتگان در حفاظت آن امانت کمال بی پروائی نمودیم و بواسطه آن مرعوبیت شیرازه هر و زندگی ما پاشیده و افراد این هیئت که هر يك بر حسب تکلیف خود مکلف به حفاظت آن امانت بودند از ایفاء وظایف خود بهلوتی کرده و جزء نظام ملت نگشته رفته رفته از هر حقیقت مصائب و نوائی که کمال تأثر را دارد بر احوال ما وارد گردیده تجارت ممالک که مایه قوام ثروت و مکننت است بکمال تزلزل رسیده و بالکلیه معدوم و محو گشته بهوض نفع و قایدت ملجبر به ضرر و خسارت گشت ستاعت که باعث حجاب نفوذ و مورث توسعه مطلق تمدن میباشد یکدفعه نیست و بابود شده اسم ما ر سهابت حاری و سر شکستگی توام ساخت و کذالت سایر منابع ثروت و دولت ما بهار و طهره مفقودالار گشته اسم و رسمی از آنها نمانده ، در این و هله حایله و موقع خطیر هم بدبختانه نمره آنهاه غفلت و عسالت بجا ظاهر و آشکار گشته و جای تردید و انکار نگذاشته است که از شثامت احتیالات دزدان خانگی و خاشان داخلی دین و وطن درکار اند ما را وداع گفته و ما را بندامت فقدان خود شان تنم بگذارند و دمار از روزگار ما بر آرند

پس در اینصورت آن صرفه که ما از حیات حایله میبریم چیست ؟ آن بدنامی که بواسطه زیست و بقاء باید احوالمان نمیشود کدام است ؟ و آن شرف و اقتضار

حقیق غیر از مواعده حیات در کجاست ؟ آیا نه
هرکه حیانت نمود شرف ندارد هرکه شرف ندارد وطن
ندارد دین ندارد مملکت ندارد پس از این مراتب دیگر
چه جای حرف و بحث که این زندگی حالی بهیچوجه مایه
حصول شرف و افتخاری که علت الممل خلقت بوده
نتوان شد و در این صورت مرگ و فوت از این
زندگی پست هزار مرتبه بهتری و برتری دارد

فیا موت رر از الحیة ذمیمة

ویاقس جدی انت دهرک هازل

مرگ اگر مرده است گوئزد من آی

تا در آفوشت بکیرم تنک تنک

شاید از آنان که در اطراف مسائل با جشی نیم
بسته مینگرند در جواب این اظهارات حقه راه ایا
و انکار را پیش گرفته بگویند لغت حیات کجا و لذت
مات کجا حیاتی که نتیجه خلقت آدم و مخوی بر هزار
گونه نعمت و منحت می باشد چگونه میتوان با ماتی
که نیستی محض و قنای مطلق میباشد مشابهت و مقایسه
کرد و آنرا بر این ترجیح داد انسان وقتی که زندگی
دارد و از گلشن حیات کلی بر میدارد مقدر همه
امور و متمم همه قنایذ و نهایه و الا به در تصور
تالیه و منازل تالی رضوان سکونت میگزیند و از
اطعمه و اغذیه لذایذ که میوه زحمت وی است
تناول کرده تن خود را که نمونه از صنایع صانع ذبجود
است بالبه نقیه میدارید و از اجتماع و صحبت
طاغیه انان که علت قنای خلقتشان حظ و لذت مردان
است متلذذ و محفوظ شده مشبهات بهیمی خود را افاض
و مقاصد حیوان وار خویش را اجراء میدارد ،
میروند می نشینند میخورند و میخوابند و از کسی احتنا
نکرده حر خود را میراند ، بلی ما ایرانیان در سر
و نه خلقت چیزی جز افعال مذکوره ندیده و نمی
بینیم و گمان میکنیم که خداوند منان را غرضی از خلقت
ما جز همان کارهایی که گفته شده نبوده و نیست ،
ایرانی لغت حیات را همان خواب و خور و عیش و
طرب و لهو و لعب تشخیص داده و در توصیف آن
فقط از همان افعالی که میان اسان و حیوان مشترکت
سخن میراند اما آن طرف دنیا يك جوی هستند که
مبگویند حیات انسان اگر در غیر ما وضع که مصروف

گردد (چنانکه ما داشته و داریم) به پیشتری ارزش
ندارد و زندگی وقتی لغت و قیمت دارد که ما بتوانیم
بواسطه حفظ حقوق خود کما هو حقّه از قنایذ عمر
متلذذ شویم همچومان خود را از صدمات و متاعی
که طبعاً در دوره حیات بحال انسان تعلق بکبرد نجات
داده حیات ایشانرا تا اندازه که فرا خور مقدرت و
استطاعت ما میباشد مسعود سازیم ، حیات و زندگی ما
فقط میدان شرافت است و ما خودمان دلیران آن
کار زار میباشیم و اگر پای مردی فشرده چنانکه
مردان دنیا کرده اند گوی شرافت را از آن میدان
رودیم تا ابدالدهر نیکنام وسعید خواهیم ماند و زنده
دائمی یا ابدالمی خواهیم گشت ولی اگر فرصت حیات
را از دست داده و مانند مرده دلان بعضی ملل
فقط بان نظرات کوناه خود نتیجه خلقت را تقدذات
حیوانیه دانستیم شکی نمیروود که دیگران که عقاید شان
بر خلاف تصورات ما میباشد در یا زود از بین آن
اعتقادات حسنة خود بر ما قنوق جسته و دمار از
روزگار شامت آثار مان خواهند بر آورد ، گذشته
از این همان سرگی که ایرانی مادام العمر از آن نرسان
و لرزان و از خوفش آنچه سرگردان و پریشان
میباشند جز نقل و تحویل است و آیا اگر بر سر
شرافت و سعادت جان سپارند آیا نمی بایست در آخر
وداع زندگانی گویند و در عین شقاوت و بدبختی جان
بدهند؟ و اعجاباً شکفت معرکه در صفحه وطن بیدار
گشته و خرب هنگامه در آب خطه روی نموده
دیروز بود که افراد این هیئت با يك اتفاق و همدردی
ظاهری در انتهای عالی داخل گردیده و از اثرات
استبداد که خنهای آنها را حراب و بنیاد زندگانی
شان بر آب رسانیده شکوه ها کرده ناله ها بلند و
همچون مادر فرزند مرده برای تسلی قلب خود سانی
بودند و سایی جویند و فدایی بدست آورند و
بطوری قاطع و کامل ریشه آن عامل فساد را از
بیخ و بن برکنده و برباد دهند اما بدبختانه دیدند که
زور استبداد جربیدن گرفته ظلم و تعدی بر حق و
حق خواهی غالب و قساوت و بیرحمی بر عدالت و
انسانیت قنوق یافته در حالیکه امضاء منتخب شده ایشان
با نهایت صلح و سلم و کمال وقار و سکون در مجلس

مقتله برای رفع مظالم و دفع تعدیات قرار گرفته و در خاطر خود هیچ مقصودی جز خیر و سعادت ایشان پیشهاد نداشتند عساکر ظلم بر آنها حمله ور گردیده اساس زندگانی آنها را نارو مدار و وجود محترمشان را در دریای هلاکت خرقه ساخته مشق بی گناه را فقط بجرم عدالتخواهی طعمه تیر و تفنگ و خنجره و گلوله نوب نمودند

دیدند که زنان و اطفال که در هر شریعت از ایذاء و اذیت معاف میباشند با منتهای قساوت و بیرحمی که نظیرش در تواریخ عالم کمتر دیده میشود خرقه بخون گردیده و مانند گوسفندان و مرغان بسمل از دم شمشیر میگذاشتند

دیدند که جوپهای خون در معابر و کوچه های طهران از هر سو روان و فریاد الامان الامان بچارگان تا با-هان رسیده و ناموس نام مات بدست مشق بی غیرتان خونخوار افتاده است

دیدند که نه تنها اساس حقوقشان در مرض زوال و اضمحلال فوری افتاده بل دین و مذهبشان دو چار فناء عاجل گشته و شرع اطهر بکلی در بحران و خطر مانده

با وجود این مشاهدات جانسوز گویا اهالی این مملکت بی صاحب (باستثناء طهران و تبریز) خاک سرده بر آنها پاشیده از حس و حرکت انسانی مطلق مانده در جرکه حیوانات و حشی یا حشرات الارض داخل شده ربرا که بکسر خاموش و مدهوش و حیران و سرگردان مانده بی آداب حرکتی که دلالت بر دوام وجود شان بنماید رگ ماده نامردی ابدی را بخود طریزند و ملامت دائمی را بر خود شان روا داشتند

وا اسفا، این مشاهدات شامت بنات دیگر بیکباره انسانرا ازین سعادت و شرافت این قوم تا امید ساخته و او را به اضمحلال فوری ایشان متیقن و خاطر جمع میسازد و در هر دقیقه این تصور نزدیک بیقین را تا کبد میدهد بجهت برای اینکه در هر قوم و در هر مملکت اینگونه تغییرات عظیمه لازم و ملزوم جلیق حرکات و انتباهات میباشد ولی این بی حسی و بی غیرتی و بی چشمی که از ملت ما در

انموقع خطیر بظهور رسیده در هیچیک از آن ملل بظهور نرسیده است گویا ملت ما از آن اندازه بی فهمی که دارد وقوع این قضیه اخیره را بجزئی نگرفته و اهمیت بی پایان آرا از نظر انداخته و حال آنکه در سایر ملل چندان اهمیت مان داعیه داده اند که ما بجزیر هستیم و هیدام مخصوصاً جراید حق خواه عالم در این موضوع خیلی بسط مزال داده اند، یکی از جراید انگلیس شرحی نوشته که گویا اظهار درجش بر بد نباشد

میفرماید -

(قتل عام وحشیانه طهران دوباره تجدید کرده معای فن حکومت را که چگونه میبایست حقوق مردم با داعیه های مستبدین تعادل گردد - محال و محتمل است که کسی بتواند بدون هول و هراس و خوف و خشیت تقاصیل حرب بر برانه را که شاه متصدی گردیده بخواند - فی الواقع و نفس الامر دارالشورای ابراف در جلسه مقتله قرار گرفته بود که ناگاه بدون يك گله الحطار و انذار عساکر آن ظالمی که بر تخت سلطنت قرار گرفته گلوله ریزی بر همارت مجلس کرده و بمبعوثین ملت را طعمه خنجره ساخته و مجاهده هلاکت کشانیدند و این مطلب همانا مقدمه يك مرحله بود که نظیر و مانندش در تاریخ عالم یافت نمی شود و وجود ندارد اوباشهای اجیری که مواجب خوار شاه میباشند با آن بیرحمی وحشیانه و سنگدلی سفاکانه که متولد با مشرقین میباشد عمل ظالمانه خویش را بانجام رسانیده در کوچهای طهران جوپهای خون از هر طرف روان میبود و نه زلف و نه اطفال را معافی و استخلاص حاصل میگشت و به نهجی قصابی میشدند که گویا آنچه فوات انسانی مانند حشرات الارض بودند و در ساطت معدودی هشتصد نفر بضرط گلوله از پای در آمده و هدف تیر ملامت گردیدند - حکایت مذکوره خاطر انسانرا منزجر میسازد و اندوه و ملال می آورد بجهت حکومت شورویه هر مملکتی دارای عظم و اهمیت میباشد و این قضیه عظمی یعنی قتل عام مذکور بعضی داعیات تاریخی خودمان را بخاطر اهالی فطن بریطانیای عظمی می آورد - آری هر قومی میبایست برای حصول حقوق خود کشمکش بنماید و در طی این طریق

عالی مشی و حرکتی کند - همان حرکتی که اکنون ملت انگلیس از آن متلذذ میباشد یعنی همین حرکتی که میثت جامعه ایرانی برایش تقلا میکند بعد از محاربه جاسوزی فیابین دولت و سلطنت حاصل گردید و این آزادی سیاسی و حریت شوروی که امروزه مبرات ملت انگلیس میباشد نمره مجاهدات دلیرانه و نتیجه مقالات شجاعانه نیاکان و پیشایان ایشان است -

مسئله ترقی انسانی از قرن بقرن پیش رفت و ترقی مینماید و از خطه منقطه سیر و حرکت دارد قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی در اغلب ممالک اروپائی و کذاک در ممالک منقطه آنازونی علو مشروطیت را مشاهده نمود و طبعاً ۱۹ تکمیل آن عمل را در ممالک سنیره اروپائی و کذاک در میان جهات مهاجر نشین ملاحظه کرد - نتایج حسنه و نمرات مفیده که از آن نجا رب عظیمه مشروطیت حاصل گردیده در عالم معنی و مستور نمانده و از نظرها نیفتاده است امریکای شمالی و جنوبی ملی هستند که اجراء حکومتشان بواسطه اصول جمهوری میباشد و اروپا نیز منقسم بهالکی شده که در بعضی نقاط بواسطه سلطنت محدود و در نقاط دیگر باشکال جمهوری محکوم هستند - در هر دوی این اقالیم ترقی حقوق ملی نی المقدمه برکات حکومت صحیحه بوده است نفوذ آن درس ساده در عمل حکومت بطور تانی لیکن بنات در سایر سرکردگان مال در ضابط دنیا مرکوز و مخزون گردیده و باین سبب است که قرن بیستم در آسیا طلوع فجر قوای ملی را دید یعنی در روس و هندوستان و ایران و سایر اقالیم شرقی قوای در کار هستند که جاده همان اعمال سیاسی را که در دنیا میسر پیشرفت کرده تسطیح و تنظیم میکنند و در ایران هم حال جهان منوال است که همیشه در اینگونه مواقع بوده است - سلطنت ایران علی رغم اقب خود بعضی حقوق را بامت اعطاء کرد و این اولین فقره بود که ملت مذکوره بحسب شورائی حاصل کردند که میتوانستند در آن نسته امور خود را مطرح مذاکره سازند شکی نیست که امت بعضی اشتباهات کرده است و این اشتباهات مانا نتایج اینگونه تجربیات نامرور میباشد و از اینجا است که دشمنان ملت ترقیبات متداولی خودشانرا پیش گرفته مفاسد جزئیه حکومت همومی را سبب و علت قرار

داده اند بجهت اینکه اقتدارات ظالمانه سلطانرا مسترد و رجوع دارند - شاید محتمل باشد که مجلس مقننه در طهران قدری در مباحث الفاظ پیچیده و بعضی اینکه مشکلات وضع را کمتر سکند افزونتر نموده است ولی علاج حقیقی آن مفسده نه این بود که حقوق همومی را به ظلم و تعدی تبدیل نمایند بلکه علاجت منوط و وابسته بر آن بود که تمام شعبات ملت بطور صابراه ساهی بیندند که حقوق همومی خود را دریافت کرده و امتیازات دیگر را رعایت و احترام کنند -

کشمکش ایرانیها برای حریت مشروطیت از حیثیت بین المللی بی اهمیت نبوده است - آری صفحه آسیا در همان بیقراری و اضطرابی افتاده که اقلیم اروپا در قرن ۱۸ و ۱۹ داشت و خطه مذکوره بر از هر صه های معدنی و ثروت صناعتی میباشد که حصولشان مقصد اهم و مطلب اتم تمدن شهری است - تمام دول عظیمه دنیا چشم خود را بر اقتراض معوق ایران دوخته و آنرا مطمع بصر و مطرح نظر خویش قرار داده و مانند طایران در اطراف آن مملکت گردش کتان بودند تا اینکه برای خود چیزی برابند - بر بنیای عظمی و روس فقط در دولت خارجی هستند که واقعا مصالح مادی در آسیا دارند و خیل عمل خوشبختی است که دولتین مذکورین در معاهده داخل گردیده اند که میانه ایشان وقوع منازعات را در ایران از جمله ممالک میسازد -

معدداً ترتیب حفظ روابط بین الملل لازم گردیده است - چند هفته قبل بعضی ملت خواهان سرگرم در این مملکت خلی خشم و غضب داشتند از اینکه ادورد هفتم که رئیس بهترین ملت مشروطه خواهی میباشد بملاقات امپراطور روس میرود که بیعوتین ملت را جهان برحی که حیره خواران شاه کشته اند بقتل رسانید - ملاقات مزبور ذوجنبین بود از یک جنبه مورث اهانت و خفت به افراد ملتی بود که اعتقاد تمام با ساسهای حکومت همومی ولی از جنبه دیگر بی منفعت نبوده زیرا که موجب تسهیل یک مساعده فیابین روس و انگلیس بوده که مربوط بواقعاتی است که همین حالا در ایران بوقوع رسیده است شر ملاقات ادورد هفتم با امپراطور روس همین بوده است - آن مقاوله که میانه

روس و بریتانیای عظمی در موقع انقلاب ایران گردیده هم بجا و هم مفید میباشد - (۱)

فاما از جنبه آینده نمیتوان پیش بینی کرد که بجاری وقایع ایران چه نحو خواهد بود ، چیزی که معین است همین است که صدمه و ثامه که در روز سه شنبه در طهران وارد آمده آخرین کشمکش فماین شاه و ملتش نخواهد بود و فقط ابتدای يك شورش میباشد که خونریزیش عتبه شورشهای مشهوره اروپا خواهد بود - ممکن است تاجندی ظالم و تعدی دارای اختیار باشد ، لیکن ماتعم میباشد که ملت ایران را بالاخره بشرف حاصل خواهد گشت - هوقی که اکنون ایشان را پیش آمده موقع رنج و آزار و محنت و اضطراب است و این مرحله است که هر مشروطیتی میباشد طی آن نماید زیرا که در مشروطیت (مانند سایر چیزها) فقط تاریک ترین ساعتی است که دمیدن فجر سعادت را اعلان و اظهار میدهد

(پایان شب سیه سپید است)

بلی این غیبه خانانوز که در نظر ما جندهای تاثیر و اهمیت ندارد در نزد دیگران کمال عظمت را حاوی میباشد و بدبختی و اقتضای در این است که آنچه ما خود بچشم دیده و از نظرمان گذشته و بروی مبارک خویش نیاورده ایم دیگران (۲) را از استماعش هول و هراس حاصل و از تصورش وحشت و دهشت دست میدهد آری ما به تحمل استبداد و بارکشی جور و پیداد خو کرده ایشان بسرکوبی و ظلم طادی شده اند ما به نظاره کردن قتلهای پی در پی سرحدی اصرار وقت نموده ایشان در صدد دفع و رفض و آمده اند ما کشتن و سر بریدن انشاء ملت را از کارهای جزئی حساب کرده آنها بی احترامی و کلاه خود را موجب انهدام اساس ملیت خرد دارند - بسبب این چیزها چیست همین است که آنها بیدارند و ما خواب ایشان هشیارند و ما مست آنها با علم اند و ما دیوانه

تبیجه اقدامات و حشیانه که شاه ایران برای دفع حزب اصلاح خواهان کرده این شده که حالتی مانند شورش و قاتی در طهران رخ داده مذکور است و بقدر ۸۰۰ نفر در عوض قتل طام هولناکی که عساکر شاه عمده اند از حیات طاری گشته اند ، در جواب (اوفیامتوم)

اتهام حجت که دار الشورای ملی باعلیحضرت فرستاده بود شاه قزاق و عساکر با توپهای کوهستانی فرستاد که در جلو مجلس ساحلو باشند و بکنفر صاحب منصب با ۵۰ نفر بمجلس رفتند که بکنفر را که تصور میرفت آشوب طلبند بگیرند و اعضاء مجلس تصویب نکردند صاحب منصب مزور نزاقها را در ب مجلس گذارده رفت که کرنه خود را از جواب ایشان مطلع سازد ، قریب ساعت ۸ يك خیمه از بام منزلی انداخته دو راس اسب را کشته و ولوله راه انداختند ، سربازها که بدون صاحب منصب بودند تکلیف خود را میدادستند و صاحب منصب مذکور همینکه صدای خیمه شنید مزور سربازان شتات و گلوله ریزی با تفنگ بطوری سخت فماین سربازان و انجمنها بوقوع پیوسته تا سه ساعت طول کشید و در ساعت ۱۱ گلوله ریزی اختتام پذیرفته ولی تا ساعت ۷ سربازان بر مردم خیمه میانفشانند ، ساعت ۴ همه چیز تمام شده بود ، از قرار معلوم در بدو امر توپهاییک شلیک میکردند از فشنگ بی گلوله پر شده و قصد رفته بود که مردم را بترسانند اما بعد از آن با استعمال خیمه برداختند و تا یکساعت و نیم ملت جنگ نمایان کرده بطوری محکم و راسخ گلوله ریزی میکردند اما چون فشنگ تمام رسیده و فشنگها گرم شد نتوانستند که علاوه مقارن کنند

یکنفر خبر نگار که خودش در آن جنگ شرکت داشته چنین میگوید (وقتیکه خیمه اولین بدروازه مجلس اصابت کرد و آن را شکسته و باز نمود نزاقها حمله ور شدند و ما چنین یافتیم که از کف رفته ایم ، و عقب گریختیم ، بمجردیکه سرازات بر مجلس حمله آوردند شروع به فرار کردن هر چیزی نمودند که در نظرشان میآمد آنچه مرا بیشتر از هر چیز بشکفت انداخته اینست که دادم مردماییکه تا چند روز قبل در مجلس اجتمع کرده و برخلاف شاه بلوا میکردند اکنون در تخریب و تضییع دارالشوری ساهی میباشد و هیچ درب و بجره سالم ماند ، فریادهای (زنده باد شاه ، ما مشروطه میخواهیم !!) بلند بود

مکاتب واصله به برلی از طهران تفصیلات اصلی جیاولی که در دار الخلافه ایران گردیده معنوی میباشد شاه بقشون خود امر کرد که بمردم چنان عبرتی بدهند

تا مدتی مدید از نظر شان محو نگردد و در خیال
شان باقی و بر جا ماند و این حکم را با خونخواری
مسیبی بموقع احرا گذاردند و از این رو شاه را قنوق
حاصل گردیده لیکن کوجهای طهران از خون مالا مال
گردید، تمام روز جنگ شدیدی فیابین قشون شاهانه
و ملت در کوجها واقع شده و بعد از آنکه مخالفین
دولت از میان برداشته شدند متعاقبش کشتار انسانی
بیگناه بموقع رسیده و قشون شاهی هر چه واکه در
جلو داشتند از میان برداشتند و پس از آنکه جوفه
های ملت را بطوری برچیدند که داس گندم را
برمیچیند قشون مزبور در خنهای مردم داخل شده
بدون امتیاز و اعتنا مرد و زن و طفل را از دم
شمشیر بیرحمی میکزاندند و خیلی اهل خونخوارانه
را مرتکب شدند. سربازان مزبور بقطع اعضاء اسیران
خود می برداختند و حتی آنها را بطوری شکنجه
میکردند که بقتل میرسیدند. هیچکس نترس از رؤساء
حزب اصلاح خواهان گرفتار آمده زیر غلهای گران
افتاده و همین هیئت بحضور شاه برده شدند و وی
امر نمود که باید فوراً بقتل برسند و بهجرد این حکم
میر غضبان بشکنجه ایشان برداخته با هر نوع بیرحمی
و خونخواری ملامتشان ساختند. اقلأ ۵۰۰ نفر از
جانب حزب اصلاح خواهان کشته شده ولی تانیات
قشون خیلی جزئی بود

از قراریکه روزنامه (لوکالازینگو) مینویسد قشون
شاهی بر مجلس ظهور گردید و آنرا بتصرف خود
آورده همات آن را خراب و تاراج کردند و در
ضای خالی جلو آن پشته ها از کشته های مرد و زن
میبود. مخبر (لوکالازینگو) علاوه میگوبد که خیلی
عمرات از آتش خنباره ضایع گردیده و حق قصر
سلطنتی هم مینوب کشته. شاه مصمم است که هر نحو
باشد قنوق حاصل نماید

خبر رسمی که از طهران بسفارت ایران رسیده
مبتنی بر آن است که داعیه مذکوره را جزئی بخرج
دهند تاگراف مزبوره از قرار ذیل است (نظر به
اغتشاشات و آشوب قشون در شهر برقرار شده که نظم
برقرار داشته ناامنی را طامع شود و همینکه فوجی از
مسجد سپسالار که بعضی اجمنها در آنجا اجتمع کرده

بودند گذشتند چندین بم انداختند و عدد از سربازان
و صاحبمنصبان را مقتول و مجروح ساختند. محض
استقرار امنیت شاه طهران را زیر حکم نظامی گذارده
بالفعل نظم برقرار است)

پس از آن سرباز در حول وحوش سفارت
انگلیس مقرر داشتند و حکم دادند که هر فراری را
بخواهد در آنجا پناه گیرد بضرط کلوله از او در آورند
اتمی عیند الباقی

ترجمه از روزنامه (ماطن) منطیبه
پاریس مورخه ۹ ماه ژون ۸ ۱۹۰۸
در سر زمین آسیا
(پیداری ایران)

بلی در مملکت ما تضریات کلی حاصل است
(چنین میگوبد وزیر مختار ایران در پاریس)
چندین ماه است که انظار نگران متوجه ایران
هستند و متصل خبرهای وحشت انگیز از آنجا رسیده
و همچون وا نمود می کنند که این مملکت دارد در یک
بحران بسیار سخت داخلی دست و پا می زند و دچار
اشکالات مهیب خارجی است

جناب مختازالسلطنه وزیر مختار ایران با کمال مهربانی
خواهش ما را قبول کرده و ما را پذیرفته و بیانات ذیل
را با دادند که اهمیتشان بملاحظه اینکه معزی الیه برادر
رئیس مجلس دار الشوری ملی طهران است خارج از
حد تصور است. گول بخورید و باور نکنید (ابتدا
چنین گفت وزیر مختار ایران) خبرهایی که بمطبوعات
فرنگ می رسند متوحش ترین این اخبار را تکذیبات
صیح بشت سر بلکه اغلب همراه است می خواهید
شاهدی بر این قول خود بیورم ؟ قتل نماینده طالبه
روس . . . حرکت علی حضرت شاه غفلتاً . . . بقول
بعضی فراراً . . . از طهران در صورتیکه اعلیحضرت
هایونی در باغ شاه واقع در دروازه طهران در قصر
بیلاقی خود شانت تشریف دارند می خواهید بهمین
مناسبت یاد آوری بکنم اخبار راجع بر مسئله را که
می گفتند مایه تکدر فیابین دولتین ایران و روس
شده است ؟

میان روس و ایران (میگوید وزیر مختار) هرگز

مراودات دولتی را آسیبی فراهم نیامده است ده سال من خود در روسیه مانده ام و محسوسات این دولت را باندازه دربارۀ يك ديگر می شناسم ~~که~~ ابدأ این اخبار بی ماخذ (ترك مراودات) اعتنائی نکرده ام (سؤال روزنامه نویس) با هم این حادثه درمیسانه بوده است ؟

(جواب وزیر مختار) خوب است ما وقت بهره که معنی حقیقی خود را بدیم ، در هر دو طرف سرحد ایران و روس ایلات بادیه نشین هستند که باقتضای اصول ارسه متصل بخاک يك ديگر می روند و میان این عشایر همیشه یاره منازعات بوده و هست حتی اغلب اوقات کیسبون مخصوص ~~مرکب~~ از مامورین دولتی برای تصفیه امور آنها در سرحدات می باشند و چون امروز بر حسب اتفاقات داخله ایران انظار عمومی بیشتر متوجه آنهاست لهذا باین حوادث جدید سرحدی که در پیام معموله اعتنائی هم نمی شد روزنامجات فرنگ این همه اهمیت را داده و در اخبار راجعۀ بآن مبالغه عوده اند

در باب معاهده روس و انگلیس

انظارات مهم ذیل جناب ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران را راجع بر عهدنامه روس و انگلیس در ضمن مسائل راجعۀ بخارجۀ ایران مندرج می نامم دولت ایران در باب این قرار دادها پروتست کرده و صریح اعلان نموده است که ایران استقلال کامل خود را حافظ بوده و حداً مهمم است ~~که~~ مراودات دوستی خود را با همسایگان خود مرعی ندارد بعد از این مذاکرات با جناب وزیر مختار از داخله ایران حرف زدیم و يك گله واحده معزی الیه تعریف آنرا ادا نمود، تغییرات اساسی وقتی که دیپلمات معزی الیه دید که این حرف ایشان خیلی مارا بیدار و متوجه کرد با کمال آرامی مکرر کرده و گمت بی ایران در بجهت تغییرات اصولی است آن وقت وزیر مختار کتابی را که روی میز شان و تاریخ رولسیون فراسه بود برداشته و روی صفحات آن علامتی را که گذاشته بود نشان داده و فرمود که می بینید این است مشغول مطالعه تاریخ تغییرات اساسی شما هستیم و از روی آن دوران امور و حوادث حالیه ایران را می بینم و شباهت

فرنییه در میان آنها پیدا می کنم شباهت در حوادث و شباهت در مردم ما هم (میرابوی) خود مان را داشته ایم که مثل (میرابوی) شما بد گل بود و مثل او مهم و مردود شده است ما هم (بنکر) خود مان را داریم کلوب ما (انجمن) داریم و خیلی متعدد هستند و نفوذ زیادی در مجلس ملی ما دارند زیاد کار کرده و لایحه قوانین حاضر نموده و به مجلس می دهند

در باب ترقیات و ترتیبات جدید ایران

مجلس ملی ما از روز احداث خودش بلا تعطیل در کار بوده و قوانین و ترتیباتیکه عمل آورده است خیلی مهم هستند همراهی مستشار عالییه فرانسوی که من خود اجیر کرده و بایران فرستاده ام در عمل مایه ترتیبات صحیحه داده شده حالا بودجه صحیحی داریم حا خالی خود مان را بر کرده و قناعت های لارمه را بعمل آورده ایم در تمام شهر ها ادارات مطریه ایجاد و مرتب شده اند

تعمیلات ملی خود مان را فراموش نکرده ایم بعکس این مسئله را در صف اول ملزومات خود مان جای داده ایم و دولت فرانسه در این عمل مهم با ما همراهی کرده است و مصلان فرانسوی که از سه سال قبل بر این بایران فرستاده شده اند با ما در این زمینه کار می کنند پس می بینید که اگر می گفتم که ایران امروز در عین بجهت تغییرات اصولی است بی حق نبودم ، ایران امروز آزادی مذهب و آزادی مطبوعات را اعلان نموده و این جلیتر بی حد و حصر که تمام مملکت مارا ه هیجان آورده است بوش بوش و با کمال وقار و بدون شورش کار خود را می کند و شاید در تاریخ ملل اول دفعه ایست که تغییرات اساسی بدون شورش عمل می آید

(سؤال روزنامه نویس) آیا تصور می کنید که این سیل مهیب تا آخر و به این سلامت و بدون شورش خواهد رفت ؟ آیا باور دارید که اگر حلو گیری آن بشود این جنبش - الم تبدیل يك سبب ترکی خواهد شد که بتواند دنیا را هم زند (حواب) کی را قدرت آن است اعلی حضرت هابونی شایسته اشخاصی را نه برضد این خیالات ترقی هستند دور کرده و مات ایران بخوبی می فهمد که اول وظیفه اش این است که در جاده

اعلان

جلد دوم ابراهیم بیک که افراد ملت را بهترین نازیبا غیبت در حب وطن است با کافندی بسیار اعلی و طبیب خلیل خوب در سیصد و بیست و پنج صفحه قطع جلد اول کتاب موسوف برای فروش در اداره موجود است، این کتاب گویا لازم به صرف نباشد، همین قدر کافی است بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است، هرکس جلد اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سیاق کلام و لطایف طایفه آن بخوبی واقف است، که در زبان فارسی کتابی باین سبک و سیاق نوشته نشده، قیمت چهار روپیه، اجرت پست بر ذمه خریدار است

(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون که بوضع شاهنامه نگاشته شده، و دارای ۸۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده، هرکس خواستگار باشد با اداره جبلالمتین کلکته رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپیه، ایران یک تومان، اجرت پست به ذمه خریدار است

کتاب موجود در اداره برای فروش

روپیه - آه

- بهارالانوار کامل : ۸۰۰
- سکندر نامه قلمی ترکی : ۱۰۰
- تاریخ سرجان ملکم مصور : ۱۲
- سفرنامه مظفرالدین شاه مرحوم : ۴
- سوانح عمری امیر عبدالرحمن خان مرحوم (در دو جلد) : ۴
- منتخب تاریخ ساسانیان : ۴
- بنایع الموده چاپ اسلامبول : ۵
- فرائد عوائد ملل : ۸
- آثار هم : ۶
- احوال حضرت زینب سلام الله علیها : ۸
- میکادو نامه مصور : ۳
- مکلة سیاح ایران : ۲
- داستان شکفت : ۱
- دیوان سرخوش : ۸

ترقی که داخل شده است با پادشاه مشروطه خواه خود همراه و همراهی حرکت نماید

ملت ایران با اداره ملکت این نکته است که بتازه کی عریضه (مصود عریضه است که انجمن ها تقدیم کرده اند) بخاکبای مبارک فرستاده و بیک زبان بسیار مؤثر و دلرانی مراتب بندگی و نشاء برسی خود را تقدیم نموده است و اعلی حضرت هابوز بموجب دستخط مخصوص جواب داده اند که این نوع رفتار و اظهارات ملت من بی اندازه خاطر مرا مسرور کرده و بواسطه رشته محبت بدرانه هرچه محکمتر ملت خود را که بمنزله اولاد خود میدانم دوست می دارم

اشتهار

MOTOR CARS-RENAULT FRERES.
BILLANCOURT, pres Paris (France) فرانس



حاصل کننده انام بزرگ شرط بین و باه و پلویس

و گیرنده خلت از (اتوموبیل کلب) فرانسه

فهرست مجانا فرستاده میشود

اعلان

تاریخ سرجان ملکم مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی، کافذ و خط خوب، در نمبر ۱۶ و کتوریا رود - کریس لین، مازگام، بمبئی - نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی، و در اداره جبلالمتین کلکته بقیمت دوازده روپیه بفروش میرسد، اجرت پست بر ذمه خریدار است، هر یک از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند

نقشه ایران نیز علیحده بقیمت دو روپیه بفروش میرسد

ترجمه اخبار طمس میثی

وقایع نگار اخبار مذکور از لندن مینویسد

اخبارات تلگرافی چنین مستفاد میشود که در تبریز جنگ سختی شده قونسل جنرال روس خودی میسان انداخته. این مطلب بگفت بعضی خبلی عرب است چرا که این قسم مداخلتهای غیر حاز قونسل روس در هر مورد بحالی به حزب دولتمدار داده که نفس تازه نموده و استعداد خود بپزایند، وقایع نگار (پوپریها) از تبریز تلگرافاً خبر داده که مشروطین سیانامه اشاعت داده نسخه هم بر دروازه قونسل حاکم روس رسانیده اند، و در آن اظهار نفرت از رفتار منافقان قونسل روس، و مداخله او در امور داخله ایران نموده، و با کلمات سخت او را تهدید کرده اند، و بموجب خبر دیگر که به پترزبرگ رسیده حتی از مشروطین امروز بیرق قرمز رحمت نوح سابق بلند کرده وقت ظهر رحیم خان رئیس دردان و راه زنان از طرف دولت ما یک هزار سوار داخل شهر شده اهالی محله (هرن) بدون مقابله از محله که یک توب نیز شامل آن بود تسام نمودند، رحیم خان سکر خود را دربارک انچه چمن که متعلق به شاه است قرار داد، عالی علانی که هنوز تسام شده و دارای صلاح بود استاده کی ارده پیشان ثابت جاری گردید کار این است مشروطین برش برند، شاه حکم تلگرافی به رحیم خان فرستاده که از هیچ گونه اقدامی خوف بدست باشد و هر نحو نتواند سرعت هر چه تمام مشروطین را مضمحل نماید، (۱)

ب. حسب اخبار پترزبرگ دولت روس گفت

مینماید که انقلابات ایران زیاده از حد تجاوز نموده، امر تبریز تا کنون یک طرفه شده ولی معاون است که عاقبت غلبه با شاه باشد (این ظن به خطا خود و غلبه مشروطین را شد)

حالات آینده ایران و خیالات دولتیان درست معلوم نیست، میگویند شاه یا شد به قول خود که برقراری مشروطه باشد خواهد بود، ولی طرف از این است که شاه زاید الوصف خود را در دست مخالفین داده و هر روز موانع و اشکالات پیش خواهند نمود که اگر هم بخواهد قادر به وفای عهد خودش نباشد در باب معاهده انگلیس و روس چند روز قبل بین دولتین فیصل یافته که دولت روس چند قونسل خانه های خود را تبدیل قونسل انگلیس نماید، در واقع این مسئله محله آن است که حدود آنها معین باشد، در بسیاری از مقاطعات جنوب و شرقی طهران عنبرین روح و تصرفات انگلیس زیاد خواهد شد (مستشار کلی) که مستشار سفارت انگلیس در اسلامبول بود سفیر ایران معین شده و عنبرین از اسلامبول روانه لندن خواهد گردید

ترجمه از روزنامه ولز

روزنامه (جس) مینویسد ایران را عاقبتی ندارد و رحیم نمایان است، شاه مدوا که قبول سلطنت شوروی نمود از مخالفت روحانیین که حلی صاحب قنار و مرد اند می ترسید، حتی از ملاها که در سایه اقدار شاه و سکاگان اقبلا را حاصل نموده بودند کم که دیدند سلطنت شوروی دارد نان آنها را هم می برد، ظریف دیگر

(۱) تلگراف شاه که رحیم خان هوا و سواد آن با اداره رسیده برای توضیح امر ذیلا مینگاریم

تلگراف شاه برحیم خان در تبریز

(۱ ج ۲ از باع شاه)

رحیم خان سردار بصرت، دستورالعملهای شفاهی که وقت حرکت از طهران فرمودیم البته فراموش نکرده، حالا هم دستور العمل میدهم که در سرکوبی مخالفین دولت از هیچ اقدامی فروگذار مینماید با مخالفین دولت سلوک نما که تا دیربار اهالی فراموش نه نمایند، از قتل و سرهای عبرت آبرز و حرای حاکمان، تا هیچ شهر فروگذار مکن نزد احدی مسئول نیستی، هابوضمیکه (کرنل لیاکوف) د طهران کرد و البت شنیدم، ق خود قرار ده، هر قدر زودتر شهر را امن نمودی و مخالفین دولت را بیشتر سرکوبی کردی رد، مراحم ملوکانه ما خواهی بود، شرط، شروط مصالحت و فاطم یعنی چه؟ رعیت باید نزد احکام دولت تسام باشد و مخالفین دولت باید، بمقتضای حقوق سزای عبرت نگار بپایند معنوه با جنرال قونسل روس به ما و ...

و ابیج مشار (۱ ج ۲) (عهد علی شاه قاجار)

دارند هر يك در حصه منقسمه خود بازديد ر. و خ و نفوذ خویش می‌گوشند، گویا روس و انگلیس در گفتگوی آن هستند که در حصص منقسمه قونسلات خود را تبدیل یا تفریق نمایند (یعنی انگلیس در حد نفوذ روس قونسل نگذارد و روس در حد نفوذ انگلیس)

ولی يك قوت دیگر هم هست که از دور به تماشای حرکات پانگی روس و انگلیس در ایران مشغول است و آن دولت آلمان میباشد. آلمان فعلاً در خطی کار میکند که روس و انگلیس واقف بر آن نیستند. بگذرد خواهند دید که رشته های آنها تمام پنبه شده است

تکرکات روتر راجع بدولت عثمانی

(۲ رجب - ۳۱ جولای)

§ این افواه غلط بوده که (عزت پاشا) در آرا به دمشق رفته. مشارالیه در سفارتخانه آلمان در اسلامبول پناه گرفته است

§ (عزت پاشا) از سفارتخانه آلمان خارج و سوار جہاز شده از اسلامبول رهسپار گردیده است

§ اعلیحضرت سلطان دبروز حین ورود قشون در سلام بر کالسکه خود ایستاده تهنیت نامه‌ای قشون و سایر رطایا را قبول می نمودند و بعد سفرای دول خارجه را پذیرفته اظهار نموده اند که من امیدوارم که دول اروپا دوبروز مشروع (یعنی مشروطیت سلطنت) مرا مدد خواهند نمود

§ در (ادریابول) بر خلاف خیالات سلطان گفتگو میشود (ادریا نویل) اقامتگاه افواج اردوی دوم است اعلانات مشروطیت سلطنت را که در اغلب جاها چاپ شده بودند کشته و در باغ نامه مجلسی منعقد نموده بموض تهنیت اظهار ناراضی نموده و در اسلامبول مخاره کرده اند که قشون قانون تفریح را نمی‌پسندد

§ تلگراف اسلامبول ظاهر میدارد که بنگ عثمانی بدولت بنوان قرض وجه میدهد من باب مصارف لازمه چون مطابق قانون مشروطیت اجازه استقرار را باید مجلس ملی بدهد و حصول آن فعلاً ممکن نیست اعلیحضرت سلطان به سفرای دول اظهار داشته اند که من با احترام تمام نگاهداری مشروطیت سلطنت را خواهم نمود در سلام تبریک اهالی و اظهار مسرت و خوشوقتی سلطان خلی مورت امیدواری شده است

محمد علی شاه که جوان ناخبره و ناآزموده و میل مغربی بخودسری دارد از ایام ولیعهدی خویش مخالف با عقاید پدر خویش بود، و ابتدا میل بسطنت مشروطه نداشت، از ابتدای سلطنت خود بعضی از ملاها را هم خیال با خود یافته در پرده ساز مخالفت می‌نواختند تا وقتیکه خود را در سایه حمایت روسها دارای قوت دید. و پارلمنت را برهم زد. شاه اول خیال نمیکرد باین سهولت بر همه ایران غالب آید از بیرو وعده پارلمنت برای اسكات مردم و ملاحظه قوت‌های مشروطه خواهاست داد ولی خیالتش بر این بود که اگر نتواند بگذرد پارلمنت و اصول سلطنت شوروی را برهم زند و اگر خود را مجبور یافت باز پارلمنت را بدهد ولی تا بتواند سلب قوت از آنها نماید، و پارلمان را که شاه بدهد دبری نخواهد گذشت که مجدد بهم خواهد زد، تا وقتی یا خود از میان برداشته شود و یا سلطنت شوروی برهم خورد. ایرانیها چون سلطنت شوروی را حزه منسوب قرار داده و جماعتی از ملاهای شاه دوست بر مخالفت آن برخاسته اند اگر جنیدی باین منوال باقی ماند دارای دو مذهب متضاد خواهند شد. همینکه این اختلاف لباسی مذهبی پوشید همیشه برقرار خواهد ماند و این خانه جنگی تا وقتی که سلطنت در خود ایرانیان باقی باشد باقی خواهد ماند نهایت این است که گاهی اینها غالب خواهند آمد گاهی آنها

بزرگترین خطر مشروطه ایران این بوده که ایرانیها ساهی بودند که مشروطه را در سایه همراهی ملاها به پروراندند. و این مخالف با تجربه و عقل است. هیچ وقت در هیچ مذهب فرقه روحانی سبب بیداری ملت نشده که در ایران توقع شود. همان ملاهاییکه تا دبروز سنگ مشروطه را بر سینه میزدند امروز بقدیس سلطنت مستبد می‌نمایند. قلبه شاه را ملاها باعث شدند اگر ملاها طرف شاه نمی‌آمدند ملت هرگز تسام نمی‌شد و این خطای مشروطین ایران از اول بود که میخواستند مشروطه را در سایه همراهی ملاها ترقی دهند

مسلم است که این اختلاف ایرانیان را از هرگونه ترقی باز خواهد داشت. آیا روس و انگلیس بعد از آن معاهده جنائی چه خواهند کرد باید دید. ظاهراً است که سفیر تازه انگلیس که بایران می‌رود تا دستور العملهای بسیار همبقی خواهد گرفت. فعلاً روس و انگلیس

§ سلطان به ندمای خود اظهار داشته که من بارگایای خود کمال محبت را دارم و تاکنون مستبدین مرا از مشروطه نمودن سلطنت باز داشته بودند

§ بر کار روانی وزارت جدید عثمانی سوای مخالفین افتخار مینماید، در باب عالی دبروز فرمان قرائت شد که در آن تصدیق سلطنت مشروطه بضم یاد شده بود، در این فرمان قوانین زمان استبداد را ظم بنام نوشته و سلطان نسخ فرموده است

§ (عزت پاشا) که در سفارتخانه آلمان بنا گرفته بود بر جهاز سفارت خانه سوار و از آن بر جهاز انگلیس (میره) که بسمت دریای (مدیترانه) رهسپار بود سوار شده جماعه (بنگ ترکی) میخوانند جهاز (میره) را محاصره کرده (عزت پاشا) را گرفتار کنند، سفارت انگلیس آماده عافیت است

§ کابینه وزارت عثمانی تغییر یافته، سعید پاشا رئیس الوزرا توفیق پاشا وزیر خارجه، هوا خواه ملت کامل پاشا، بر برخی از منصبداران دولتی جرم خیانت وارد آورده ولی معتون است این کابینه قیامت چند روزه است

§ جهاز تجارتنی انگلیس (میره) که عزت پاشا سوار بوده در آبنای (دارد ناز) رسیده حاکم و قونسل انگلیس بر آن سوار شده، تا رسیدن حکم تالی جهاز توقف خواهند نمود، تمام قشون حاضر اسلامبول که (۹۰۰۰) مسلح است همراهی با مشروطیت سلطنت دارد

§ (۴۰۰) سپاه و چند افسر (ادریانویل) در اسلامبول وارد شده و در قصر (یلدز) مهمان سلطانند سلطان به سردار شان اظهار داشته که سپاهیان فرزندان من اند آنها را سلام از من برسانید

§ سربازان و افسر هایشان که در باب عالی عرضداشت نموده بودند رجعت به (ادریانویل) نموده و پیغام سلطان را به قشون رسانیدند که بقایای مواجب شان بزودی پرداخته می شود، و ایام خدمت آنها را که بسر آمده است مرخص خواهند شد، از شنیدن این پیغام قشون از فرط مسرت بنای ترغیب را گذارده و سلطانرا تبریک گفتند، سفیر انگلیس مقیم اسلامبول حکم نموده

که جهاز (میره) که حامل (عزت پاشا) بود روانه شود، بنگ ترک (۵۰۰۰۰) لیرا برای ادا نمودن بقایای لشکریان بعنوان قرض به دولت عثمانی داده اند

§ تلگرافی از اسلامبول رسیده که وزیر بحری استعفا داده، مردم از فرط شغف بی صبری مینمایند، و خواهش دارند که هیئت کابینه وزرا تبدیل و کابینه جدید از مشروطیتین انتخاب شود، خبری تالی رسیده که وزیر دیگر هم استعفاء داده اند

§ بموجب خبری که از اسلامبول رسیده وزرا استعفا داده و (کامل پاشا) مأمور ترتیب دادن کابینه جدید است، دو وزیر و چند افسران بزرگ را گرفتار و محبوس نموده اند، وقت دخول شب در محبس مردم بر آنها ناسزا می گفتند

§ قائد (بنگ ترکی) که فعلا در انگلستان است امروز با یکی از مخبران (روز) حین ملاقات اظهار داشته که وقت آفت رسیده که شئونات و اقتدارات خلیفه زمان حفظ شود، از این رو حمایت سلطان واجب است، احببانا اگر متک حرمت خلیفه شود اثر بدی در هند و افغانستان خواهد افکند و با دولت بریتانیا که تحت الحکم و سپه بزرگترین حقه مسلمانان است متحد باید باشند، چه حمایت سلطان بک نوع حمایت دولت برطانیاست

§ فهم پاشا را که حقه تحقیق جرمش سال گذشت هیئت کبسیوی مقرر شده بود در ولایت (روسا) گرفتار نموده مقید نموده اند

§ (کامل پاشا) ترتیب کابینه وزارت جدید را داده اعضای آن تماماً از بی خواهان ملت اند

§ نظامی می شود که در کابینه وزرا دو نفر عیسوی هم شامل است (برنس ملورو گوداتو) یونانی وزیر زراعت قرار یافته، و (جبریل اقدی) ارمنی وزیر فوائد و تعمیرات مامور معین شده است

§ سفیر دولت انگلیس مقیم اسلامبول دیروز به عالی رفت تا سند مأموریت خویش را از طرف دولت متبوعه خود تقدیم نماید، و از جانب دولت انگلیس تبریک به سلطان بر مشروطیت سلطنت گوید سفیر موصوف با کمال احتشام سوار و بحضور سلطان شرفیاب شد، وقت عبور از شوارع مردم از دو طرف صف بسته او را تبریک ورود می گفتند، قشون از سلام مراجبه نموده بعد از آن محبوسین را از حبس آزادی دادند این وقت در سلطنت عثمانی تمام محبس ها خالی از قیدیان بلبکی است

﴿ معذرت خواستن شاه از سفارت انگلیس ﴾

موجب تلگرافیکه از طهران بطمس لندن رسیده سلطان علی خان وزیر دربار از طرف شخص شاه و علاءالسلطنه وزیر خارجه از جانب دولت ایران با لباس تمام رسمی برای خواستن معذرت ۱۳ ج ۲ سفارتخانه انگلیس رفته معذرت خواسته اند

بدوا سلطان عایشان بر پایه خاسته معذرت نامه رسمی شاه را که حاکی بر این عنوان بود قرائت نمود « اعلیحضرت شاه کمال تأسف را دارند ازین که بعضی افسران از روی جهالت و نادانی بی احترامی بسفارتخانه انگلیس نموده که منتهای درجه مخالف با اراده شاهانه بوده و منافی با روابط دوستانه دولت انگلیس واقع شده است و شاه ازین واقعه خیلی اظهار تأسف مینماید » سپس علاءالسلطنه وزیر خارجه برپای خواسته او بزمین الفاظ را از جانب دولت ایران ادا و تکرار کرده ضمانت نامه متحصنین را مالا و جانا تقدیم نمود

﴿ جبل المتین ﴾

مادربین موضوع بدوا بحث نموده ایم نجدید آن لازم نیست ولی جهالت را باید تماشاکرد که فقط افتخار مستبدین بر این است که بر چند نفر وکیل بی دست و پای ملت در پارلمان غالب آمده اند ، هیچ تصور نمیکند که از روی جهالت چه ذات و مغلوبی برای شاه و دولت ایران تا ابد فراهم کرده اند ، هجرت از همه این غلبه منتضحانه را اسباب ناموری خویش جلوه میدهند ، و عاقل از این اند فرد است که ورق بر گردد و جز این فضاحت هیچ براسی آنها و این سلطنت شش هزار ساله باقی نماند باشد

﴿ ترجمه اخبار زیتانک ﴾

﴿ مطبوعه فرانکفورت ﴾

موجب تلگرافیکه از اسلامبول باخبار موصوف رسیده شاهزاده شجاع السلطنه برادرشاه با پرس قنچاقه مهرزا فرزند ارجمند ایشان در اسلامبول بناهنده

باعلیحضرت سلطان شده و بذریقه آمده اند این شاه زاده گان والا جاه را در پناه خویش جای داده اند . روز نامه (ریپورریجا) ی روس می نویسد که شاهزاده شجاع السلطنه چندبست بطریق غیر معلوم از ایران بیرون آمده در روسیه وارد شده و بطریق غیر معروف در مسکو سیر می نمود

اخبار حبس پس از آیکه این دوخبر را نقل کرده ذیلاً رأی خود را چنین می نویسد « شاه جوان ایران که بر برادر و خواهر و خانواده خویش هیچ گونه رحم و مروت و مرامات نمینماید چگونه بر افراد این مات ترحم نموده و سلوک عادلانه خواهد کرد ، شاه تاجی و کجای خواهد توانست که با چند نفر خیرخواه ساده و استیلای قاهرانه محدود خود را بر یک ملک وسیع و ملت بزرگ جسور قائم دارد معلوم نیست ؟

اخبار طمس لندن می نویسد که شاهزاده جلال الدوله و علاءالدوله را شاه در مشهد سر حبس نموده و سردار منصور را بجانب خراسان گسیل داشته است شاه اعلان داده که عدالت خانه قائم خواهد نمود و نیز وعده داده که از روی انصاف با مردم راه خواهد رفت

تلگرافات آذربایجان دال است بر اختلاف عمومی و هنگامه عظمی

قائد بزرگ مستبدین (صنیع حضرت) که در وقته دسبر (واقعه میدان نوبخانه) در عدلیه محکوم بحبس در (کلات) شده بود بحکم شاه با اعزاز تمام از حبس رها و با احترام زیاد وارد طهران گردید

﴿ جواب برخی دوستان دور و نزدیک ﴾

از همدردیهاییکه تلگرافاً و کتباً در خصوص الحوی آقا میرزا سید حسن نموده بودید منتهای درجه تشکر را دارم الحوی جزء بناهندگان سفارت انگلیس بود و پس از مرخصی از سفارت بحکم دولت تبعید شده پوم قبل ورود خود را به تقبلیس تلگرافاً اطلاع داده بود ﴿ مؤید الاسلام ﴾

چهل المین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

وکلا دمه دار ابویجات مشرکین اند

(بدل ابونہ اخبار پشکی گرفته میشود)

قیمت اشتراک

سالانه شش ماهه

Hablu: Matin Office
4, Medical College St
CALCUTTA.

چهل المین

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و شنبه توزیع میشود

هند و برمه

۱۲ روپیه ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۲۰ قران - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی ۳ مجیدی

عالمی روحانی علم را فریب و دفا داده کاری بر سر
خوبی خواهند نمود

(بر این عمل و دانش نباید گریست)

حالا معلومشان گردید که مدین تلیسان اباد...
فریب علی را داد. ملکه خویشین را این تلکرافات
بی دربی که لباس تسرع بهر نقطه زده اند بیشتر مسخره
و مصححه نموده اند. و همان مفاد (مقلان داند)
در حق آنان صادق آمده است

بنی و بنی که جمیع این فسادات، و آنچه خونهای
ساحق ریخته شده، و هتک احترامیکه بیوع عالم و شریعت
ضری احمدی وارد آمده، از اختلاف کاری عالمی است
که شیخ فضل الله از بدو امر از روی هوا حس فضائی
و رشوه خواری در مسلمانان اداخت. و ره این جوان
مصرع بی تربیت را آن قدرت و حرثت بود که این
قسم پشت با احکام جمیع اسلامیه زده قلع و قمع
اسلام با این تهور سبعاہ اقدام باید، و آن توهینهاییکه
ذکرش بدن انسان را بلرز می آورد درباره عالمی طهران
و دراری رسوله الله بعمل آورد، و برای پیش رفت استبداد
کافران خود هر تهمتی که زبان محسن برآید دست
بمدالت خواهند ا-لام برست بنده

می یم دوری را که مستند عدالت همه در حلقه
بهارستان بین و مختار قاضیان شریعت يك يك اشقیاییکه
بحون شهاده و این مضامع اسلام بدانها ممکن شرکت
داشته اند سزاهای حقیقی برسانند

محمد علی میرزا که از ابتدا باطلأ کافر بود اینک
مبنی بظاهر شرع هم تکفیر شد، ازین رو خلعتش، از
سلطنت اسلامی ایران مسلم است اگر صد (لیاکوف)
و هزار شیخ فضل الله حامی او شوند محال است بر
نخت سلطنت ایران متمكن تواند گردید چه مستحکم
ارتداد صالح بدبر نیست، و هر صورت، بدلتش...

تکفیر شاه یا خاتمه استبداد ایران

یا استقلال اسلام و استحکام مشروطیت

زرگترین و فساد تاریخی قرون اسلامیه ما
تکفیر رساله رؤسای روحانی ایران از محمد علی میرزا
ست. این جوان بی تجربه کم تربیت باغزای روسها و
مشوره جماعتی غدار تک محرام و پشت گری چندهر
از ملاهایان غیر متدین مرتضی کاری کرد که از ابتدای
عالم هیچ پادشاه ظالم قهار مستبدی بلکه هیچ سبع
وحشی خونخوار لا مذمبی نسبت به بزرگترین
دشمنان مخالف مذهب و بدرکشنگان خویش
نموده بود. بعبیده فاسده خود شایسته همیکه بر چند
هر مخالفین مسلک کافران خویش که عبارت از چند نفر
عالمی ربانی طهران و عده کمی از وکلای مجلس و چند
بن ارباب حراند و ووظایف و بطایین و يك مشت اعضای
اعمالها باشند غالب آمده و هرگونه حرکات و حشیاه و
اقدامات کافران نمودند مردم مرعوب شده کار تمام و
خنگ مراد زبر لگام آمده است

مجتز آنکه بخمال خودشان همیکه قطع طریق
مخارات کردند، و سد خطوط و تلکرافات داخلی نمودند
این طشت رسوایی که از بام بد بختی خود انداخته اند
بن صدا مانده برده بروی حرکات سبعاہ شان کشیده
خواهد شد

عجب از تمام این حرکات آنکه از طرفی بمحو اسلام
و توهین شرع علناً اقدام و از طرف دیگر خود را
جای شریعت و مؤید روحانین در تلکرافات به جمیع
بلاد قلم داد می نمایند

عجیب يك جوان بی تربیت سی و پنج ساله و چند
نفر، تاورین جاهل و قوسه فر ملانهای بیدین از آن
خوشداند که بدساتن و لغاتنی جهل گروه ملت ایران
بلکه سبقت ملانهای اسلامیه دنیا و ملیونها عقلا و

ویشیای صمیمی و توبه نزد همان مجتهدین جامع الشرایط که او را تکفیر نموده اند اگر قبول هم بشود اول شرط قبوالت قتل اوست، چه ارتدادش پس از اثبات واقعی از طرف رؤسای مسلم مذهب و مجتهدین جامع الشرایط شده است، چنان تصور نشود که محمدعلی میرزا ازین تکفیر حکم یکی از کفار و خارج مذهب را پیدا کرده است، چه بر حسب حکم حجج الاسلام محمدعلی میرزا مرتد فطری است بنا بر قوانین مهذورالدم و قاتلش مجاهد و بلا قصاص است مالتش بر مسلمانان مباح و ریش بروی حرام میباشد او در شمار کفار نمی آید چه بر حسب قوانین اسلام عرض و ناموس و مال و جان هر خارج از مذهبی مصون و محفوظ و در مراطباتشان همه قسم سفارشات اکیده از صاحب شریعت بر مسلمانین رسیده است

بالجمله محمدعلی میرزا بواسطه این حکم قطعی ارتداد از تاج و تخت ایران محروم شد بر فرض که حرکت مذبحجو هم از پیروان وی بشود محال است مالک تاج و تخت ایران شود، ظاهر است کسانی که تا امروز بیرق هواخواهی او را بدوش میکشیدند بامید بود همه آنها داشته اند که کار از التیام گذشته لذا امیدها از هر سو طرف وی قطع خواهد گردید بلکه هواداران او را طبعاً خوف دامنگیر است، چه میدانند بر فرض محال اگر نصف اهالی ایران هم از نه تیغ بگذرند محال است این جوان مرتد به تخت سلطنت ایران تکیه زند

در هر صورت باید مسلم داشت که ایرانیان از شر وجود این جوان محروم آسوده می شوند، امروزه فردا و این حکم حیات بخش رؤسای مذهب دارای مصالحی بسیار عظیم است که من جمله یکی از عمده ترین احکام طایفه شریعت خیرای اسلام که نظایرش در تواریخ اسلامی پیش نیامده بود پس از هزار و سیصد و اندی به وقوع اجراء خواهد رسید، و حقیقت دیانت احمدی را با مساوات در حق شاه و گدا ظاهر خواهد ساخت اگر چه مرحوم حجة الاسلام میرزای شیرازی قدس سره حد این مرتد (ناصرالدین شاه) را در مسئله رؤی بدو کلمه نوشته تأدیب شرعی نمود و جبروت جنانی او را در هم شکست، ولی این حکم را اثر دیگر و رعیش همیشه در قلوب پادشاهان شیعه در بسط عدالت باقی خواهد ماند و من بعد هیچ پادشاه قاهری بای خود را از جاده اعتدالات شرعیه بیرون نخواهد گذارد، دوم مشروطیت سلطنت ایران را بقسمی این حکم منسجل داشت که ازین و بعد با تیشه بیداه هیچ هرود و شدادی خراب نخواهد گردید سوم علما بدنامی بزرگی را از اسلام برداشته و بر طلمیان ظاهر نمودند که این حرکات و حیثیاته نجیبانه مخالف با دیانت و قوانین شرع احمدی است، و قتل این گونه

افعال شقیانه را میتوان مسلمان تصور نمود چهارم حربصائیکه از هر سو دندان طمع بایران نیز کرده اند حکم حیات بخش حجج اسلامیه هم را کند نمود

ولی اینها در صورتی است که علماء اعلام تعقیب نموده این حکم متین شرع مدین از روی واقع را بموقع اجراء گذارند و جمیع احکام ارتدادیه را در حق محمدعلی میرزا جاری دارند و درین موقع اهم تکلیف شرعی خود را فقط در دادن حکم ندانند، بلکه هر قسم صلاح دانند اجرائی این حکم را بر خویش لازم قرار دهند، اگر چه ما را قطع حاصل است که این حکم بموقع اجراء خواهد رسید، و عتقرب نتیجه اش بر طالبان ظاهر خواهد گردید، مع ذلک ما به تکلیف شرعی خود عمل نموده میگوئیم که اگر خطای نخواست این حکم بموقع اجراء نیاید یعنی محمدعلی میرزا از تاج و تخت محروم نگردد آزادی ملی ایران را وداع نموده، اسلامیت ازین مملکت رحلت خواهد بست، و ساطات ایران یکدفعه در قبضه روس و پادشاه آن آینده در قطار امپریالیزم باک بست تر از آن خواهد درآمد، و این آخرین حکم رؤسای مذهب شیعه خواهد بود، یعنی اگر این حکم مجری نشود رسوخ و نفوذ رؤسای روحان شیعه نیز یکدفعه تمام خواهد شد، و احکام آنها نیز مانند حکم عیاش تفقاز و هند وغیره خواهد شد که از در خانه خودشان خارج نمی شود، بسارت بسیار ساده در صورت اجرائی این حکم شاه رفت و اسلام قوی گردید و در عدم اجرائش عیاش شیعه رفتند و اسلام را وداع باید گفت

اما عقیده ما همان است که ذکر کردیم یعنی حکم عالمی اعلام حتماً و قطعاً اجراء خواهد شد ولو کره المستبدین چون محمدعلی میرزا را ما رفته میدانیم، و کارش را تمام می بنداریم، خوب است عقیده خود مان را برای آئینه ایران بیان نماییم، با اینکه ما اول جمهوری خواهیم و سلطنت مشروع را در غیبت امام همام اصول جمهوریت میدانیم، مع ذلک بر حسب اقتضای امروزه ایران اولین مخالف جمهوریت سلطنت هستیم، و نیز تبدیل سلطنت را از سلسله قاجاریه هموماً و از خاندان محمدعلی میرزا خصوصاً بر حسب مقتضیات سیاسیة ایران صلاح میدانیم، بلکه اسباب فساد عظیم و مناقشات بزرگ دیپلماتی می بنداریم

اسلم شقوق و اصاح امور آن است که سلطان احمد میرزای ولیعهد کنونی را پادشاهی شناخته و چون ده سال پیش ندارد و قانوناً قابل تصدی امور سلطنت نیست نایب السلطنه برای او انتخاب نمایند، و یا پنج هزار ارجال با کفایت با علم و دیانت را انتخاب نموده آنچه واجب با مضای شخص پادشاه است پس از فیصله با مضای آن

هیئت رسانیده تا بلوغ قانون وایسند در رسد
در صورتیکه بنا شود نایب السلطنه انتخاب نمایند
بهر از شاهزاده ظل السلطان فعلاً در ایرانیان کسی به
نظر نرسد، چه هم دارای تجربه میباشد و هم از
زمان پدر تا امروز امتحانات مشروطه خواهی داده
و شخصی است مطلع بوضع زمان هم معروف جیب
صنوف و هم طرف به احوال جیب طبقات ایران میباشد،
کهولت هوا و موسسهای جوانی را از سرش بیرون
کرده، و جنسیت سرد و گرم دنیا او را بخته و
سنگین ساخته است، اسمش برای املیت و انتظام بلاد
کافی سهمش برای پیش پای خود نشستن همسایگان
طباع حریص خارجه واقعی شناخته می شود، سرکشان ایران را
سراطاعت تدارک نمی نمودن اقتضای است، از همه بالاتر
هم خود دارای ثروت هنگفت است، و هم بواسطه درست
قولی و هجیح کاری نزد متمولین خارجه و داخله دارای
اعتبار و اهمیت بسیار می باشد و امروز آنچه ایران را از همه
چیز بیشتر لازم می باشد پول است، در سیاه همراهی
این مرد ایرانیان میتوانند مستغنی گردیده باصلاحات
ملکی پردازند مجهت مذکوره و بسیاری از جهات
دیگر که ذکرش مورت تطویل است انتخاب شاهزاده
ظل السلطان به نایب السلطنه کی بر دیگران مرجح است،
پس از این تکفیر محمد علی میرزا و خلعتش از سلطنت
قدری راه صاف و مشروطیت ایران قوت خواهد
گرفت که هرکس با سلطنت و یا نایب السلطنه کی انتخاب شود
مجبور به همراهی و درست رفتاری خواهد بود، و هیچکس
بنادان این جوان نخواهد بود که بهوای نفس و اقدامات
جاملانه پای بر بخت و تخت زده دنیا و آخرت خویش
را بر باد نماند و ادب ما راست که مقتضیات زمان را هم
قسم ملاحظه نموده اندام در انتخاب نایب السلطنه نایم که
در آینده مورت پیشانی و پریشانی ملک و ملت نکرده

تکرات روتر راجع باران

(۱۱ رجب - ۹ آگست)

بموجب تلگرافی که از تبریز به پتربورگ رسیده
بوم شب گذشته هم بین قشون شاه و مشروطین تبریز
جنگ بسیار سخت شده و مشروطین را خساره زیاد
رسیده چنانچه چند توپ هم از کف داده اند

(۱۲ رجب - ۱۱ آگست)

بر حسب خبری که باخبار (نوبوریها) می روس
رسیده دولت آلمان عاجلاً تدارک افتتاح جنگ در تبریز
را می بیند و در ترقی تجارت خویش سامی است (اخبار)
موصوف که گویا زبان خارجه روس است ازین خبر
اظهار وحشت نموده می نویسد (برای رفع مناقشات
آنیة ایران مانند کافرین بین الدولی که در (الجزیرا)
مورقیه حقوق سیاسی و تجارند دول در مراکه

منعقد گردید برای ایران نیز باید منعقد ساخت

حیله‌های

بعضی از سیاستون انعقاد کافرین بین الدولی را
برای مسائل راجحه به ایران یکی از مسائل فیصله شده
(ربوالم) میدانند، و همچوکان مینمایند که یکی از فصول
معاذت محقیقه دو پادشاه عظیم الشان درباره ایران میباشد
و تمام خوفشان از آلمان است، و برنی چنان تصور
می نمایند که برهم خوردن مجلس شورای ایرانم برای
انعقاد چنین کافرینی بوده است که شاه خود مختارانه
فیصله کافرین بین الدولی را مانند پادشاه مراکو قبول
نماید، و بسبب از قیاس نیست که در ملاقات مسکنونی
اعلی حضرت (اموردهنتم) و امپراطورین آلمان و
آستریا نیز مسئله انعقاد کافرین بین الدولی درباره ایران
موضوع بحث پیاید، و فرض حقیق ازین کافرین
بین الدولی گویا اثبات حقوق دولین روس و انگلیس
است در ما به التقسیم ایران، چه قبولی گرفتن از شاه که
بزقندی روس است هجیح گونه مورت اشکال نمیکرد
زیرا شاه علناً به تبعیت روس نخر می نماید

البته هم قلم ما روزنامه (نوبوریها) مطلع شده است
که این نیرنگ سیاسی را ارتداد علما از شاه پرمزد
و متصد اصلی از این کافرین بین الدولی اقبال شاه
بود و محمد علی میرزا که شاه شناخته می شد از شاهی بلکه
از همه چیز افتاد، حالا فکر دیگر نمایند و نیرنگ تازه
ریزند رؤسای مذهب شیعه این نکته را بخوبی فهمیده
اند، که اگر محمد علی میرزای غیر مرحوم بر سلطنت
ایران متمکن ماند به خودی خود پیروی از طریقات
روس خواهد نمود، بلکه ایرانیان را دست بسته تسلیم
روس نموده خویشتن را هم قطاد امیر بخارا قرار
خواهد داد، چه کسی که دین ندارد غیرت ندارد،
و هرکس غیرت فهمد دارای شرف نیست، و هر که
دارای شرف نفس نباشد از اطاعت و زبردستی و فرمان
برماری اجنبی باک ندارد، بقیده ما گویا هنوز توجه
حضرت صاحب العصر عجلاً فرجه بر این ملک و ملت
هست که ازین خطرات عظیمه بادست غیبی نجات میدهد
(۱۴ رجب - ۱۲ آگست)

بموجب تلگرافی که از وقایع نگار (دیل تلگراف)
از طهران باداره موصوف در لندن رسیده، حجیح
اسلامیه و رؤسای بزرگ مذهب شیعه رسماً محمد علی شاه را
تکفیر نموده اند (فیدلم الدین ظلموا ای منقلب ینقلبون)
تلگراف مخصوص اداره

(۱۵ رجب - ۱۳۲۶)

حجیح اسلامیه بالاتفاق شاه را تکفیر نموده،
عقلای ملت قسی در تبدیل سلطنت کوشانند که اسباب
خونریزی و افتخار بلاد واقف نگردد، مذاکره

دولت (آستریا) بنا بود تمسیر شود مردم در استاسیون جمع شده بروی پاشای موصوف آب دهان می انداختند و لباسش را قطعه قطعه نمودند

§ عوجب خبری که از (بیت المقدس) رسیده ثابت علامت خوشنودی از مشروطیت در آنجا نیز بظهور پیوست ، اولاً حاکم آنجا بر بنای مشروطیت شک داشت از این رو بهیچوجه تصدیق مشروطیت را نمی نمود و اجازه اظهار مسرت و خورسندی به رعایای داد ناوقت که اجاز شد آنوقت ترك - هرب - یهودی و نصرانی هیتت احجام و اتحاد نشانهای حریت بدست گرفته در تمام شهر سیر نمودند

§ عوجب خبری که از اسلامبول رسیده هیئت وزرا بر اداره رژی امروز غور کرده و انتخاب افسران اعلای اضلاع را نموده که نامهای آنها رسماً اشاعت یابد

§ در استظام کابینه جدید عثمانی تبدیل اغلب سفرا هم شامل است ، بسیاری از کتب ممنوع الانشاهه که ضبط شده بود به مصنفین آنها مسترد داشتند

(۱۴ رجب - ۱۲ آگست)

§ اعلیحضرت سلطان مصارف تعمیر عمارت مجلس شورای ملی را از جیب خاص مرحمت نموده است

﴿ جبل اللئین ﴾

خوشا بسادات ملتی که پادشاهی دانا و توانا ملت دوست و وطن شناس مانند اعلیحضرت سلطان عبد الحمید خان قازی خلافت مملکت داشته باشد این سلطان با دیانت نه تنها حقوق ملت خود را ادا نمود بلکه ملت بسیار عظیمی بر جمیع مسلمانان عالم گذارد و سلطنت شوروی را که صاحب شریعت مطهره به مسلمانان توصیه فرموده بود قائم فرمود ، نظر بجنوبیکه این سلطان عظیم الشان بر ملت خود بلکه بر تمام مسلمانان دارد چه قدر شایسته است که در ادای این حق عظیم رعایای عثمانی در قانون اساسی سلطنت را در خاندان خاصه این سلطان حلیل القدر قائم و برقرار دارند تا ملت ترکیه نیز بقدر شناسی در تمام عالم نامزد گردند و باین تدبیر رفع خطر بسیار عظیم که تا کنون بر پیش آمد است به نیاید ، مسئله ولیعهدی دولت عثمانی با اصول سابقه همواره مورد خرابیهای بسیار شده و ممکن در آینده نیز بشود ، ولی اگر در قانون اساسی این مسئله بنوعی که فکرتش ثبت شود هم ملت حق شناسی از اعلیحضرت سلطان فرموده و هم رفع یک منساقنه بسیار عظیمی را در آتیه نموده اند ، این نصیحت را ما دو سال قبل نیز متذکر شده بودیم که اگر اعلیحضرت سلطان دولت عثمانی را مشروطه قرار دهد لازم است که ولیعهدی در خاندان خود شان قرار گیرد

و بر خود خائف ، قاجاریه از تبدیل سلطنت از خاندان خویش مضطرب ، سفیر روس برای شاه در دست و پا ، سیاهبوزا عقیده در تقرر ولیعهد و تعیین نایب سلطنت است ، قشون حق سواران خاصه متزصرع ، جمیع بلاد ازین لحاظ منتاب ، ملاهای شاه دوست شرمند و مردود مات . پول بحساب از دستگاه روس و شاه در ملاهای مرتشی برای جلوگیری اثرات این حکم تقسیم شده و می شود ، روسها منتهای سی را دارند که در انداختن اختلاف بین علما این حکم را بی اثر سازند ، ایران را قرانی عظیم در پیش است اگر بدون مناقشه شدید و اختلاف عظیم که نتیجه مخالفت ملاهای مرتشی است تبدیل سلطنت شد ایران برای همیشه از خطر گذشته است ، ورنه انقلاب ریشه دوانیده موضوع یک معاهده بین الدولی شده اسلام مضمحل ، ایرانیان در فشار ابدی روس واقع خواهند گردید

تکرکات روتر راجع بدولت علیه

﴿ اسلامیة عثمانی ﴾

§ از اسلامبول خبر رسیده که (رضا پاشا) وزیر جنگ سابق و افسران بزرگ قصر (کاماریلا) گرفتار شده (راجب پاشا) یکی از افسرهای بزرگ اداره عدلیه حین گرفتاری مقابله نموده و از درجه بریاس کلاه انداخت و بالاخره گرفتار شد

§ اعلیحضرت سلطان امروز با سفرای دول حین ملاقات مکرر فرمود که من مصمم ام مشروطیت سلطنت را قائم دارم چه بنای این اساس را شاه دم گذارده ام

§ وقایع ننگار (دیلی نیوز) از اسلامبول می نویسد که شیخ الاسلام که تا ابوقت مخالف مشروطیت تصور می شد حین ملاقات وی اظهار نموده که اعلیحضرت سلطان از سالمای دراز اجرای قانون مشروطیت را خواهان بود و اسباب فراهم می آورد ، و شیخ الاسلام بقین دارد که مشروطیت عثمانی قائم و مستقر خواهد ماند و خواهشمند است که انگلستان و اهالی مغرب زمین همراهی در اجرای قوانین مشروطیت در سلطنت عثمانی به نیاید

§ روابط اتحادیه اهالی (مقدونیا) محکم نظر می رسد و چنان ظاهر می شود که اهالی (بلغاری) را اراده ایست که مقدمات متبرکه و کلیسیاها را تمام تصرف نمایند ، جماعت (بنگ ترکی) وعده نموده اند که اقدامات لازمه درین خصوص کرده رفع تقار را خواهند نمود

§ جماعت (بنگ ترکی) مصاف پاشا را از (مقدونیا) مازور وی حرمتی بیرون کرده ، مشارالیه رئیس کیسیون بیابن راه آهن (نونی بازار) بود که حسب خواهش